

# قدرت تفول بفشش

ضلیپ نان  
مترجم: ل.ای

دانش مسیمیت

## فهرست

|    |                                               |
|----|-----------------------------------------------|
| ۲  | درباره‌ی این کتاب                             |
| ۳  | پیشگفتار — شیشه در بازوی شما                  |
| ۴  | <b>بخش اول: بخشش قلبی شما را آزاد می‌سازد</b> |
| ۵  | بخشش قلبی شما را آزاد می‌سازد                 |
| ۵  | بخشش چیست؟                                    |
| ۶  | زمان بخشش است!                                |
| ۶  | زمانی برای طلب بخشش                           |
| ۷  | اگر نبخشیم چه اتفاقی می‌افتد؟                 |
| ۸  | اساس کتاب مقدس برای بخشش                      |
| ۱۰ | دلایل به تأخیر انداختن بخشش                   |
| ۱۲ | بخشش، عدالت یا انتقام                         |
| ۱۲ | سوءبرداشت‌ها در مورد بخشش                     |
| ۱۴ | بخشش و تلخی                                   |
| ۱۵ | زمانیکه یک ایماندار قادر به بخشش نیست         |
| ۱۶ | چه چیزهایی در بخشش درگیر هستند؟               |
| ۱۷ | افرادی که نمی‌بخشند                           |
| ۱۷ | مفی‌بوست                                      |
| ۱۸ | یفتاح                                         |
| ۱۹ | سامسون                                        |
| ۲۰ | افرادی که می‌بخشند                            |
| ۲۰ | یک خانم جوان یهودی                            |
| ۲۱ | یوسف                                          |
| ۲۱ | گام‌هایی به سوی آزادی                         |
| ۲۱ | نمونه اول دعا                                 |
| ۲۲ | نمونه دوم دعا                                 |
| ۲۳ | <b>بخش دوم: چه زمانی باید ببخشم؟</b>          |
| ۲۴ | چه زمانی باید ببخشم؟                          |
| ۲۴ | انتخاب زمان مناسب برای بخشش                   |
| ۲۴ | مشکلات احتمالی                                |
| ۲۵ | یک کلمه می‌تواند معانی متفاوتی داشته باشد     |
| ۲۶ | استفاده کتاب مقدس از واژه بخشش                |
| ۲۷ | انواع مختلف بخشش                              |
| ۲۸ | بخشش قانونی                                   |
| ۲۹ | چگونه بخشش قانونی خداوند را دریافت کنیم؟      |
| ۲۹ | بخشش پدران                                    |
| ۳۰ | بخشش خداوند سرمشقی برای بخشش ما               |
| ۳۱ | روابط مختلفی که باید احیا شوند                |

|    |                                                  |
|----|--------------------------------------------------|
| ۳۲ | بخشش کلیسایی                                     |
| ۳۳ | بخشش حکومتی                                      |
| ۳۳ | بخشش قلبی                                        |
| ۳۴ | بخشش قلبی پیش از آنکه فرد خطاکار توبه کند؟       |
| ۳۵ | گام بعدی چیست؟                                   |
| ۳۶ | بخشش رابطه‌ای                                    |
| ۳۶ | گفتن "من تو را می‌بخشم"                          |
| ۳۷ | زمانی که نباید مانع بخشش رابطه‌ای و کلیسایی شویم |
| ۳۸ | آشتی                                             |
| ۳۸ | جشنی در حال برپایی                               |
| ۳۹ | آشتی، بخشش و عدالت                               |
| ۴۰ | بخشش خود                                         |
| ۴۱ | جدول خلاصه انواع بخشش                            |
| ۴۲ | نتیجه‌گیری                                       |

## سخن مترجم

یکی از موضوعات بسیار مهمی که از زمان ایماندار شدن در کتاب مقدس و در رفتار خداوندم برجسته می‌دیدم، موضوع بخشش بود که در اوایل به نظر بسیار ساده می‌رسید اما به مرور زمان متوجه شدم که خیلی فراتر از آن چیزی است که فکر می‌کردم و به تدریج متوجه شدم که من افراد زیادی را در زندگی نبخشیده‌ام و فقط تصور می‌کردم که آن‌ها را بخشیده‌ام اما رها نبودم تا اینکه خداوند با قلب من صحبت کرد و از سوی او دعوت شدم تا به عنوان عضو بسیار کوچکی از خانواده مسیحی با ترجمه این کتاب بتوانم مفهوم واقعی بخشش را یاد بگیرم و مهم‌تر از آن، در عمل به کار گیرم و بتوانم ببخشم زیرا در ابتدا او ما را بخشید، به علاوه بتوانم خدمت کوچکی به برادران و خواهران ایماندارم انجام دهم زیرا همانگونه که می‌دانیم منابع فارسی متنوعی در دسترس ایمانداران فارسی زبان نیست پس پیشنهاد می‌کنم این کتاب را بخوانید و آنچه را آموختید، در زندگی خود پیاده کنید چون باور دارم شما نیز از طرف خداوند دعوت شده‌اید تا قلب خود را از هر تلخی پاک کنید و آزاد و رها شوید.

باور دارم ترجمه این کتاب نقشه خداوند برای من بود. یکبار خواهرم و دخترش به من گفتند سخنرانی در کلیسایشان آمده و یکسری کتاب آورده بود و آن‌ها چند نمونه از این کتاب‌ها را برداشته و می‌خواهند ترجمه کنند و به من نیز همین پیشنهاد را دادند و من هم چون سابقه ترجمه در زمینه رشته تحصیلی خودم داشتم، استقبال زیادی کردم و وقتی نوبت به انتخاب کتاب رسید گفتم موضوع کتاب برای من هیچ فرقی ندارد و همینطور که کتاب‌ها را نگاه می‌کردم چشمم به موضوع بخشش افتاد و همان لحظه روح خداوند به من گفت همین الان وقتشه و باید از طریق این کتاب یادگیری که ببخشی و رها شوی. پس همان کتاب را انتخاب کردم و از روزی که کار ترجمه را شروع کردم به طرز عجیبی نگران بودم که ترجمه چنین متونی اولین تجربه من بوده و مسئولیت سنگینی است و شاید من واقعا به عنوان یک نوایمان توانایی انجام این کار را نداشته باشم اما دعا کردم و از خداوند خواستم کمک کند. هر چه پیش می‌رفتم، محتوا و نمونه‌های عملی کتاب به شدت ذهنم را درگیر کرده بود و بخش‌هایی از آن را در جمع سایر ایمانداران و در کلاس‌های بایبل به اشتراک می‌گذاشتم. ترجمه برخی از بخش‌ها واقعا دشوار بود اما دعا می‌کردم و از خداوند می‌خواستم برایم مکاشفه کند و بعد ادامه می‌دادم. پس از پایان ترجمه کتاب، به همراه همسرم تمرین عملی مندرج در کتاب را آغاز کردیم. قبل از هر چیز از پدر آسمانی خواستیم تا از طریق روح‌القدس در ذهن ما کار کند و افرادی که به ما آسیب رسانده‌اند و لازم است تا آن‌ها را ببخشیم، به خاطر آوریم و بعد در نام عیسی مسیح آن‌ها را به خاطر آسبیده که به ما رسانده بودند از صمیم قلب بخشیدیم و برایشان طلب برکت کردیم. بخشیدن برخی از افراد این لیست واقعا سخت بود اما در این شرایط برای یکدیگر نیز دعا می‌کردیم تا بتوانیم ببخشیم. برخی اوقات رفتن به مرحله فراتر از بخشش یعنی طلب برکت کردن دشوارتر بود اما برای هم دعا می‌کردیم، از کلام خداوند می‌خواندیم و به یکدیگر در انجام این کار کمک می‌کردیم. شاید انجام این کار بسیار طول کشید و گاه‌آه خسته شدیم و یا نمی‌توانستیم افراد را ببخشیم اما در نام پر قدرت عیسی مسیح و با هدایت روح مقدس خداوند انجام دادیم و آزاد و رها شدیم.

از خداوندان عیسی مسیح تشکر می‌کنم که از طریق این کتاب این فرصت را در اختیار ما قرار داد تا احساسات آسیب‌دیده ما التیام یافته و ما را از این بار سنگین رها کرد و مطابق آنچه در کلام آمده است، او ما را تعلیم داد و به جان‌های ما راحتی بخشید همچنین از او می‌طلبم خوانندگان این کتاب بتوانند تجربه بینظیر طلب برکت برای کسانی که نسبت به آن‌ها بدی کرده‌اند را داشته باشند و با قلبی خالص و در آرامش عیسی مسیح زندگی کنند. در پایان از همسرم که با صبوری در طول ترجمه همراهم بود و در ویرایش متن و طراحی جلد کمک کرد، تشکر می‌کنم و از پدر آسمانی‌ام پری او از روح‌القدس را می‌طلبم. آمین

ل.ای

## درباره‌ی این کتاب

بخشش موضوع مهمی در کتاب مقدس است. وقتی جوانتر بودم، در مورد موضوع بخشش تدریس و موعظه می‌کردم. نشان می‌دادم که ما مسیحیان باید کسانی را که نسبت به ما گناهی مرتکب شده‌اند، ببخشیم. برادران و خواهران با من موافق بودند، از من بلبت پیغام خوب تشکر می‌کردند اما پس از آن، اتفاق چندانی رخ نمی‌داد. کینه‌ها و تلخی‌ها زیر سطح بیرونی باقی می‌ماندند. عمل بخشش رخ نمی‌داد.

در شرایط مشاوره‌ای که طی سال گذشته در کلمبیا داشتم، اشتیاق زیادی در هدایت مرحله به مرحله ایمانداران در بخشیدن همسر بی‌وفا، مادران کنترل‌گر، پدران وظیفه‌شناس، عمل پرخاشگری، تجاوز، سرقت و دستکاری مذهبی تجربه کردم. واقعا به موضوع بخشش علاقه‌مند هستم زیرا مطابق کتاب مقدس است و من قدرت تحول آن را مستقیما دیده‌ام.

بعد از ۱۵ سال کار کردن در کلمبیا به همراه همسر به عنوان مبلغان مسیحی، ما به اروپا برگشتیم. اینجا نیز به تدریس و ترغیب بخشش ادامه می‌دهم. اما بر خلاف کلمبیا که اغلب مخاطبین من نسل اول و دوم مسیحی بودند، اینجا اکثر شنوندگان من از خانواده‌هایی آمده‌اند که طی نسل‌های زیادی مسیحی بوده‌اند. زمانی که متوجه شدم از نظر اکثر این مسیحیان، بخشیدن کار بسیار دشواری است، متعجب شدم. آن‌ها اصول ضروری بودن بخشش را می‌پذیرند، اما استدلال‌های مبنی بر عقاید نظری و منطقی بسیاری برای به تعویق انداختن بخشش ایجاد کرده‌اند. این کتاب پاسخ من به این موضوع است. در این کتاب، شما نه تنها پاسخ‌ها و توضیحات مطابق با کتاب مقدس، بلکه همچنین انگیزه‌ای قوی برای عمل کردن به آن با نام بخشیدن را خواهید یافت.

این کتاب از دو بخش تشکیل شده است. شما متوجه تفاوت در شیوه‌ی ارائه‌ی این دو بخش خواهید شد. بخش اول بیشتر مشابه مکالمه<sup>۱</sup> است. این بخش بر مبنای نگارش‌های دو سمینار ارائه‌شده در رکانویلیر (کانتون برن سوئیس) در ژوئن ۲۰۰۸ است. اینجا، بخشش از دیدگاه معنوی مسیحی ارائه شده است. همچنین به بررسی این موضوع می‌پردازد که چرا بخشش ضروری است و باید آزادانه به عنوان فیض ارائه شود. هیچ کس سزاوار بخشیده شدن نیست. این بخش، پس از تصحیح برخی سوءتفاهم‌ها که مانع از عمل بخشش می‌شوند، به توضیح و برانگیختن بخشش از صمیم قلب می‌پردازد. در انتهای این بخش، شما تشویق می‌شوید تا این آموزه‌های بایبلی را بکار بگیرید و هر کسی را که به شما آسیبی رسانده است، از صمیم قلب ببخشید.

پدر آسمانی ما همواره گناهکاران توبه‌کار را می‌بخشد. آیا قربانیان مسیحی نیز تنها در صورت توبه‌ی خطاکاران خود می‌توانند آنان را ببخشند؟ آیا بخشش انسان‌ها نیز همانند بخشش خداوند است و همان کار را انجام می‌دهند؟ آیا ممکن است که بایبل از واژه‌ی بخشش برای توصیف فعالیت‌های مرتبط اما متفاوت استفاده کند؟ این سؤال و سؤالات دیگر در بخش دوم بررسی می‌شوند. شما قبل از اینکه بتوانید ببخشید، نمی‌توانید تمامی آموزه‌های وابسته به کتاب مقدس در مورد بخشش را درک کنید. نظیر نجات، حتی کودکان می‌توانند از صلح و آزادی‌ای که از طریق اطاعت ساده حاصل می‌شود، لذت ببرند.

اگر در جستجوی درک بخشش مطابق کتاب مقدس هستید یا در آموزش‌های بایبل و جلسات مشاوره‌ی مسیحیتی شرکت کرده‌اید یا قلبی برای کمک به دیگران دارید که قدرت تغییر بخشش را تجربه کنند، در بخش دوم مجموعه‌ای از نظرات کاربردی و چالش‌برانگیز را خواهید یافت.

<sup>۱</sup> بر خلاف آموزش دانشگاهی بوده و غیر رسمی‌تر است

## پیشگفتار - تراشهی شیشه در بازوی شما

موقعیتی را تصور نمایید که در آن، مرد جوانی از یک پنجرهی شیشه‌ای می‌افتد. در بیمارستان، بازوی مجروح او را تمیز می‌کنند، اما به اشتباه یک تراشهی تیز شیشه در بازوی او جا می‌ماند. طی زمان و با مراقبت، ظاهر بازوی او خیلی خوب بهبود می‌یابد. به زودی او قادر خواهد بود بازوی خود را تقریباً به راحتی قبل از حادثه حرکت دهد. او خوشحال است که دوباره بازوی او تقریباً نرمال شده است. اما به زودی متوجه برخی حرکاتی می‌شود که درد زیادی در بازوی او ایجاد می‌کند. این حرکات باعث می‌شوند او این حرکات را متوقف کرده و فریاد بزند.

افرادی که دیگران را نبخشیده‌اند، با یک تراشهی تیز شیشه‌ای در بازوی‌شان در حرکت هستند. حضور شیشه زمانی آشکار می‌شود که فرد پرسش کند یا واکنش شدید غیر طبیعی به یک موضوع، موقعیت و یا شخص خاص نشان دهد. اگر مرد جوانی هنوز مادر حکمفرمای خود را که مرتباً فریاد می‌کشید، نبخشد به احتمال زیاد نسبت به کسانی که فریاد می‌زنند و یا به افراد مقتدر بسیار حساس می‌گردد. اگر زن جوانی، آن مرد غریبه‌ای که قصد تجاوز به او را در پارک داشته است، نبخشد ممکن است دیگر نتواند از قدم زدن در یک پارک لذت ببرد و حتی تماشای فیلمی که یک زن در شب به تنهایی در حال قدم زدن است، برای او بسیار ناراحت کننده باشد. ممکن است این زن تماشای فیلم یا قدم زدن را متوقف نماید. چیزی آن شیشه‌ی درون بازوی او را لمس کرده است.

راه‌حل چیست؟ برخی روان‌درمانگرهای سکولار ممکن است به شما در شناسایی حرکات دردناک کمک کنند و یاد دهند که چگونه با اجتناب از این حرکات زندگی کنید. پیروی از توصیه‌های آن‌ها ممکن است منجر به کاهش درد شما گردد. اما این راه‌حل مسیحیتی نیست. خداوند ما عیسی، پیروان خود را به "بخشش از صمیم قلب" دعوت می‌کند، تا آن شیشه را از بین ببرد. این امر مستلزم برش بازو و برداشتن آن جسم خارجی است. فرایند آن ممکن است دردناک باشد. تا مدتی ممکن است بازو مجدداً خونریزی کند. اما این تنها راه است، این راه‌حل مسیح است تا حرکات نرمال بازو را بهبود دهد.

می‌توانیم ببخشیم؟ مادامیکه این شیشه در بازوی ما باشد، مرتباً درد ناشی از این خطا را تجربه خواهیم کرد. ما هرگز قادر به فراموش کردن نخواهیم بود. به محض اینکه بتوانیم از صمیم قلبمان ببخشیم، شیشه برداشته می‌شود. بلافاصله بازوی ما بهبود یافته و حرکات کامل آن باز می‌گردد. جای زخم روی بازوی ما تا روز مرگ با ما خواهد ملند. اما بعد از اینکه از صمیم قلب ببخشیم، درد مربوط به آن خاطره به تدریج کاهش می‌یابد. زمانی می‌رسد شاید زودتر از آنچه انتظار دارید که متوجه خواهید شد که خداوند تا حدی شما را شفا داده است که دیگر حتی با فکر کردن به خطای صورت گرفته، احساس درد نمی‌کنید. با بخشش، خداوند شما را شفا داده است. در حقیقت، پس از اینکه اطاعت از خداوندمان عیسی را انتخاب نمودیم و فرد خاطی را که مستحق بخشش نبود، از صمیم قلب بخشیدیم، رنجش، خشم، درد و تمایل به انتقام، راهی را برای ترکیبی از غم، نگرانی، افسوس، ترحم و دلسوزی نسبت به فرد خاطی ناتوبه‌کار فراهم می‌کند.

آیا شاید شما نیز شیشه‌ای در بازوی خود دارید؟ آیا می‌خواهید به فردی که این شیشه را در بازوی خود دارد، کمک کنید؟ آموزش عملی کتاب مقدس در این کتاب به شما کمک می‌کند تا شیشه را از بازوی آسیب دیده‌ی خود جدا کنید به طوری که همه‌ی ما در خدمت سرور و استادمان آزادانه و با خوشحالی عمل کنیم. بازوهای التیام‌یافته بسازید و دیگران را برکت دهید.

بخش اول

بخشش قلبی، شما را آزاد می‌کند

## بخشش قلبی، شما را آزاد می‌کند

تا جایی که من مشاهده کرده‌ام، یکی از بزرگترین مشکلات میان مسیحیان، عدم بخشش است. جامعه‌ی مسیحیان نیز گاهی اوقات سهمی در مشکلاتی از قبیل رسوایی‌های مالی و جنسی دارند. عدم بخشش توسط افراد زیادی به رسمیت شناخته شده است اما برخی، آنرا به عنوان یک رسوایی در نظر می‌گیرند. و هنوز این موضوع در کلیساها و اجتماع ایمانداران ما همانند سم عمل می‌کند. زمانیکه ما در رفتار برادران و خواهرانمان نشانه‌هایی از تلخی را می‌بینیم، با آن‌ها همدلی می‌کنیم یعنی سعی می‌کنیم نگرش سخت، رفتار عجیب و غریب و یا سخنان تند و تیز آن‌ها را برای خود توجیه کنیم. به ما گفته می‌شود "او دوران بسیار سختی را پشت سر گذاشته است" یا "با وی در محل کار یا کلیسا بسیار ناعادلانه رفتار شده است". از ما خواسته می‌شود که رفتارهای عجیب آن‌ها را درک کنیم و به عنوان رفتارهای عادی و با این دیدگاه که آن‌ها در گذشته چیزهای دردناکی تجربه کرده‌اند، بپذیریم. ما دیگر عدم بخشش و در نتیجه تلخی را به عنوان گناه در نظر نمی‌گیریم. آیا حقیقت است که خداوند ما عیسی مسیح آمده است تا اسیران را آزاد سازد؟ آیا این بدین معنی است که تمامی مسیحیان واقعا در این آزادی زندگی می‌کنند و از آن لذت می‌برند؟ خداوندمان عیسی مسیح قفل زنجیرهای ما را برداشته است و درهای زندان را باز کرده است. خداوندمان عیسی مسیح ما را آزاد کرده است اما ما هنوز به زنجیرهایمان چسبیده‌ایم؟ ما در اسارت می‌مانیم نه به دلیل اینکه خون عیسی برای آزاد کردن ما به اندازه‌ی کافی قدرتمند نبود بلکه به این دلیل است که ما اجازه نمی‌دهیم این زنجیرها برداشته شوند، زیرا ما خودمان بیرون نمی‌رویم تا بتوانیم وارد آن آزادی شویم.

### بخشش چیست؟

وقتی کسی مسیحی می‌شود، چه اتفاقی می‌افتد؟ ابتدا من متوجه می‌شوم و می‌پذیرم که گناهکار هستم. نزد خداوند عیسی مسیح می‌آیم و از او می‌خواهم مرا ببخشد. خودم را کاملا به او می‌سپارم و او با خوشحالی مرا می‌پذیرد. اکنون من دوباره متولد شده‌ام یعنی زندگی جدیدی آغاز کرده‌ام. وقتی دوباره متولد می‌شوم، کدام یک از گناهان من بخشیده می‌شود؟ تمامی گناهان من بخشیده می‌شوند چه آن‌هایی که در گذشته مرتکب می‌شدم و چه آن‌هایی که در آینده ممکن است مرتکب شوم. واقعیت ساده این است وقتیکه خداوندمان عیسی مسیح روی صلیب مرد، تمامی گناهانم حتی گناهانی که من در آینده قرار بود مرتکب شوم، بخشیده شدند. زمانیکه من مسیحی شدم، از خداوند بخشش کامل دریافت نمودم. تمامی گناهانم چه گناهان گذشته و چه گناهان آینده بخشیده شدند. من به طور کامل بخشیده شدم! برخی افراد این را بخشش قانونی می‌نامند.

با این حال، جنبه‌ی دیگری از بخشش وجود دارد که برخی افراد آن را به بخشش پدرانہ ارجاع می‌دهند. اگر من به عنوان یک مسیحی، گناهی مرتکب شوم، بین من و پدر آسمانی‌ام اتفاقی رخ می‌دهد. ارتباط و هماهنگی ما با او که لذت بخش است، از بین می‌رود. یوحنا رسول به ما می‌گوید که چگونه این رابطه می‌تولند ترمیم شود: "اگر ما به گناهانمان اعتراف کنیم، او وفادار و عادل است تا گناهان ما را ببخشد" (اول یوحنا ۱: ۹). توجه نمایید این آیه نمی‌گوید خداوند با محبت و مهربان است. این کاملا صحیح است اما بخشش گناهان ما براساس محبت و مهربانی او نیست. ما بخشیده می‌شویم به این دلیل که عیسی مسیح جریمه‌ی گناهان ما را روی صلیب پرداخت نمود و خدای پدر وفادار و عادل است تا مزیت کار مسیح را به نفع ما استفاده نماید. وقتیکه من به گناهانم نزد او اعتراف می‌کنم، من بخشش پدرانہ‌ی او را دریافت می‌کنم.

اگر من یک مسیحی هستم، من بخشش قانونی خداوند را برای تمامی گناهانم دریافت کرده‌ام. زمانیکه به عنوان فرزند خدا گناهی مرتکب می‌شوم، همچنین به بخشش پدرانہ‌ی او نیاز خواهم داشت. از آنجاییکه من بخشش قانونی را دریافت کرده‌ام، موقعیت من در پیشگاه خداوند پایدار و نجات من محفوظ است. اما آنچه می‌تواند از روزی به روز دیگر متفاوت باشد، لذت بردن من از او و در نتیجه نجات پایدار است. بواسطه‌ی بخشش پدرانہ، لذت بردن من از رابطه با پدر آسمانی‌ام ترمیم یافته است.



بعد از اینکه گناهی مرتکب می‌شوم، چه اتفاقی می‌افتد؟ داستان پسر گمشده را در نظر بگیرید. سرانجام هنگامیکه او تشخیص داد که چه کاری انجام داده و کجا بوده است با خودش گفت: بر خواهم خاست و نزد پدرم رفته و به او خواهم گفتم؛ پدر من در حق خدا و در حق تو گناه کرده‌ام (لوقا ۱۵: ۱۸) او در حق خدا و در حق پدرش گناه کرده است. هنگامیکه گناه می‌کنیم معمولاً به دو طرف آسیب می‌رسانیم. ما در حق یک انسان دیگر گناه می‌کنیم و همچنین همزمان در حق پدر آسمانی‌مان گناه می‌کنیم. برای درست کردن موضوع، ما باید به گناهانمان نزد پدر آسمانی اعتراف نماییم و او بخشش پدرانه‌ی خود را به ما عطا خواهد کرد. اما نباید عناصر افقی را فراموش کنیم یعنی همچنین ما باید به دنبال برطرف کردن آسیب وارده به هم نوع خود باشیم.

## زمان بخشش است!

قصد دارید با این کتاب چه کاری انجام دهید؟ آیا فقط می‌خواهید دانش کتاب مقدس‌ی خود را در مورد بخشش ارتقا دهید؟ امیدوارم اینچنین نباشد. دعا می‌کنم با خواندن این صفحات و تأمل در محتوای آن، از طریق روح‌القدس بتوانید کسانی را که به شما آسیب رسانده‌اند، به یاد آورید؛ همان کسانی که شما باید آن‌ها را ببخشید. امیدوارم زمانی که با این کتاب سپری می‌کنید، زمان بخشش شما باشد. آیا می‌توانید خودتان را آزاد از گذشته ناامیدکننده، آزاردهنده و دردناک تصور کنید؟ خداوند از شما می‌خواهد که زنجیرهای خود را رها کنید و آزاد شوید. او برای تضمین آزادی شما بهای بالایی پرداخت کرده است و اکنون از شما می‌خواهد از آن آزادی به طور کامل لذت ببرید.

برای چند لحظه فکر کنید! چه کسی واقعاً به شما آسیب رسانده است؟ ممکن است برخی از شما به پدر یا مادرتان فکر کنید. ممکن است حالا آن‌ها پیر شده باشند یا چند سالی است که مرده‌اند. اما هنوز هم وقتی به یاد می‌آورید که پدر یا مادرتان چگونه با شما رفتار کرده‌اند، احساس عصبانیت می‌کنید. ممکن است به برادر یا خواهرتان در کلیسای محلی فکر کنید. اگر ما به طور جدی زندگی مسیحی و کلیسای محلی را در نظر بگیریم، انتقاد غیرمنطقی و اغراق‌آمیز ایمانداران می‌تواند آسیب بدی به شما وارد کند. متأسفانه چنین اتفاقاتی کم نیستند! گاهی اوقات ما مسیحیان می‌توانیم سال‌های زیادی را در این زنجیرها گرفتار بمانیم.

## زمانی برای طلب بخشش

آیا شما تاکنون در حق کسی مرتکب گناهی شده‌اید؟ به راحتی می‌توان به موقعیت‌هایی که دیگران نسبت به ما مرتکب گناه شده‌اند، فکر کرد. ما به زودی به بررسی این موقعیت نیز خواهیم پرداخت اما ابتدا باید از خودتان سؤالات زیر را بپرسید: آیا کسی هست که من به او آسیب رسانده‌ام؟ آیا تاکنون به کسی، چیزی را با لحن عصبانی یا دلگیر گفته‌ام؟ آیا تاکنون نامه یا ایمیلی حاوی کلماتی که بتواند موجب رنجش دیگری شود، نوشته‌ام؟ ممکن است فکر کنید: "بله اما حقش بود! شاید اندکی اغراق کرده باشم اما ۸۰ درصد آنچه که نوشتم حقیقت داشت. حداقل اینکه من صادق بودم!" شما می‌توانید به این بهانه‌های خود ادامه دهید و آن را هزاران بار با خودتان تکرار نمایید اما این شما را آزاد نمی‌کند. شما باید آن ۲۰ درصد را اعتراف کنید. تنها راه رهایی و نجات این است که سهم خودتان در مشکلات را تأیید کنید و به گناه خودتان نیز اعتراف نمایید.

زمانی که جوان بودم این درس را یاد گرفتم. یکی از سرگرمی‌های من، جمع‌آوری سکه بود. روزی یکی از دخترعموهایم را در هلند ملاقات نمودم. او نیز مجموعه‌ای از سکه‌ها را داشت که البته بسیار بزرگتر از مجموعه سکه‌های من بود. او تعدادی سکه‌ی تکراری داشت از جمله یک سکه‌ی کوچک و جالب از لوکزامبورگ که من آن را نداشتم. وقتی کسی حواسش نبود، من به آرامی آن را داخل جیبم گذاشتم. وقتی به خانه برگشتیم، آن زمان ما در انگلستان زندگی می‌کردیم، من آن سکه را در مجموعه سکه‌هایم گذاشتم. اما به زودی نسبت به کاری که انجام داده بودم احساس گناه کردم. با خودم گفتم دخترعموی من

سکه‌های زیادی دارد و دلتنگ آن سکه نمی‌شود. این سکه یکی از سکه‌های تکراری او بود و بنابراین او واقعا به این سکه نیازی نداشت. آن، یک سکه‌ی کوچک بود و واقعا ارزش بسیار کمی داشت. با خودم گفتم اگر من این سکه را از او درخواست می‌کردم کاملاً مطمئنم که او، آن را به من می‌داد. با چنین استدلال‌هایی، خودم را تا مدتی متقاعد کردم. اما ببقاراری درونی من به زودی بازگشت. احساس خجالت می‌کردم که با دخترعمویم تماس بگیرم و توضیح دهم که چه کاری کرده‌ام.

بعد از یک یا دو هفته، آن سکه را از مجموعه سکه‌هایم بیرون آوردم و آن را جایی در پارکینگ قرار دادم. دیگر آن سکه را نمی‌دیدم و در حقیقت آن را در اختیار خودم نداشتیم، اما وجدانم هنوز آرام نشده بود. از خودم بسیار ناامید شده بودم. چگونه توانستم آنقدر نادان باشم که آن سکه را به خانه ببرم؟ من آزاد نبودم. آن یک سکه‌ی کوچک بی‌اهمیت بود اما در طول روز شادی‌ام را از بین برده بود و موجب ببقاراری‌ام در شب‌ها شده بود. چه کاری می‌توانستم انجام دهم؟ سرانجام، یک نامه تشریحی کوتاه نوشتم و سکه را به آن چسباندم و آن را پست کردم. اکنون مجدداً آزاد شده بودم و احساس خوبی داشتم.

امروز شما چه نوع نامه‌ای به اداره پست برده‌اید؟ این کار ارزش خجالت کشیدن دارد زیرا پس از ارسال آن، آزاد خواهید بود. احساس ناامیدی حاصل از خجالت نیز بسیار مفید است زیرا کمک می‌کند مجدداً این کار را نکنیم. هم اکنون می‌خواهم شما را خیلی قوی‌تر تشویق کنم، می‌خواهم شما را ترغیب کنم تا در نام عیسی مسیح اوضاع را درست کنید: اگر موجب رنجش کسی در خانواده‌تان شده‌اید به عنوان مثال مادران، پدرتان، پسران یا دخترتان، تصمیم بگیرید که هم اکنون از او معذرت‌خواهی کنید و اوضاع را درست کنید. اگر چیز آزاردهنده‌ای به برادری گفته‌اید یا نامه‌ای آزاردهنده نوشته‌اید یا کاری انجام داده‌اید که موجب رنجش او شده است، عمل خود را با استدلال توجیه نکنید: "بله او برادر بسیار سرسختی است و افراد دیگری را نیز رنجانده است." شاید این موضوع درست باشد اما این، مشکل خود اوست. اگر شما کار نادرستی نسبت به او انجام داده‌اید، به گناه خود اعتراف کنید و خودتان را از گناه پاک کنید. برادران و خواهران عزیز من، زندگی در آزادی‌ای که مسیح برای ما خریده است، واقعا زیباست. لذت بردن از آزادی شما ممکن است تنها با یک تماس تلفنی، نامه و یا ایمیل باشد. این کار را انجام دهید و آزاد خواهید شد. فقط لطفاً همین الان انجامش دهید.

در مزمور ۳۲، داود در مورد یک تجربه‌ی آزاردهنده می‌نویسد. احتمالاً او فکر کرده بود که با انتظار، مشکل از بین می‌رود یا ناپدید می‌شود بنابراین تصمیم گرفت سکوت کند. "وقتی سکوت کردم، استخوان‌هایم با ناله‌هایم در طول روز پیر شدند. روز و شب دست تو بر من سنگینی می‌کرد" (آیات ۳-۴). سپس او راه‌حلی پیدا کرد: "من به گناه خود نزد تو اعتراف می‌کنم و خطای خود را مخفی نکرده‌ام. با خود گفتم، من به خطاهای خود نزد خداوند اعتراف خواهم کرد و تو گناهان مرا آمرزیدی (آیه ۵). آیا می‌خواهید دوباره از آزادی لذت ببرید؟ اعتراف صادقانه تنها راه است.

### اگر نبخشیم چه اتفاقی می‌افتد؟

اکنون می‌خواهیم جنبه‌ی دیگر را در نظر بگیریم. اگر کسی نسبت به شما مرتکب گناه گردد، چه اتفاقی می‌افتد؟ این دقیقاً مشابه این است که او نه تنها نسبت به شما بلکه نسبت به خداوند نیز مرتکب گناه شده است. فرد خاطی باید همه‌ی امور را نسبت به شما و خداوند درست نماید.

چرا بخشش بسیار مهم است؟ لحظه‌ای به دعای ربانی که عیسی مسیح در موعظه‌ی سر کوه یاد داده بود و توسط متی ثبت شده است، بر می‌گردیم. او دعا را با این کلمات شروع کرد: "ای پدر ما که در آسمانی"، و اندکی بعد چنین ادامه می‌دهد، "قرض‌هایمان را ببخش" و چرا و چگونه؟ "چنانکه ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم" و در انتهای دعا، خداوندان عیسی مسیح چیزی می‌فرماید که درک آن ساده است و در عین حال برای برخی از فراگیران بایبل، هماهنگ کردن آن با سایر کتاب مقدس بسیار دشوار است: اما اگر کسانی را که به شما بدی کرده‌اند، نبخشید، پدر آسمانی نیز بدی‌های شما را نخواهد بخشید.

(متی ۶: ۱۵-۹). اگر نتوانیم دیگران را ببخشیم، موضوعی جدی است. برای ما مسیحیان ضروری است که یاد بگیریم یکدیگر را ببخشیم. روح مقدس خدا یعنی کسی را که شما بوسیله‌ی او برای روز رستگاری مهر شده‌اید، آزرده خاطر نکنید. هر نوع تلخی، خشم، غضب، درشت‌خویی، ناسزاگویی و نفرت را از خود دور کنید. نسبت به هم مهربان و دلسوز باشید و یکدیگر را ببخشید همانطور که خدا نیز شما را در مسیح بخشیده است. (افسیسیان ۴: ۳۲-۳۰)

اگر کسی علیه ما گناه کرده باشد و ما از بخشش او امتناع ورزیم، در دنیای روحانی اتفاقی رخ می‌دهد: ما آزادی روح‌القدس را محدود می‌کنیم و او را آزرده خاطر می‌سازیم. بلکه ما هنوز می‌توانیم سرود بخوانیم ولی روح‌القدس آزرده خاطر است. ما هنوز می‌توانیم در شام خداوند شرکت کنیم اما روح‌القدس آزرده خاطر است. بلکه می‌توانیم درباره‌ی بایبل صحبت کنیم، در مورد کلام خداوند سخنرانی کنیم و در فعالیت‌های مسیحیتی شرکت کنیم. اما کارهایی که می‌کنیم بازی مسیحیتی بوده و فاقد واقعیت خواهند بود.

کودکان دوست دارند بازی کنند. گاهی اوقات شما بچه‌های کوچک را که در حال بازی با پدر و مادرانشان هستند، می‌بینید. بعضی اوقات آن‌ها خاله بازی می‌کنند، بعضی اوقات بازی درس دادن در مدرسه و بعضی اوقات بازی خرید و فروش در فروشگاه می‌کنند. گاهی اوقات کودکانی که از خانواده‌ی مسیحی هستند بازی جلسات کلیسایی می‌کنند؛ آن‌ها می‌توانند بازی غسل تعمید یا شرکت در شام خداوند را انجام دهند. یاد می‌آید من این بازی‌ها را با دو برادرم انجام می‌دادیم. کودکان آنچه را که می‌بینند، تقلید می‌کنند. اما حتی ما بزرگ‌ترها هم گاهی اوقات می‌توانیم آداب و رسومی که با آن‌ها احساس راحتی می‌کنیم و یا بازی کلیسایی را دنبال کنیم. ما هم می‌توانیم اینکارها را انجام دهیم زیرا وجدانمان به دلیل عدم بخشش سخت‌تر شده است. می‌دانیم که اگر دیگران را نبخشیم، دعا‌های مان به تأخیر خواهد افتاد. اما ما به آزرده خاطر کردن افراد ادامه می‌دهیم و نسبت به آن شخصی که مورد آزار قرار گرفته، عصبانی می‌شویم و فکر می‌کنیم که می‌توانیم به دعا کردن ادامه دهیم و انگار هیچ اتفاق منفی در قلمرو روحانی رخ نداده است. نه شما و نه من استثنا نیستیم. این قوانین روحانی که در دنیای خداوند آشکار شده‌اند، برای همه‌ی ما صحت دارد.

### اساس کتاب مقدس برای بخشش

آنچه در ادامه می‌بینید مبنای بخشش است که در فصل ۱۸ کتاب انجیل متی تشریح شده است. سپس پطرس نزد او آمد و گفت، خدایا چند مرتبه برادر من بر علیه من گناه ورزد و من او را ببخشم؟ تا هفت مرتبه؟ عیسی مسیح به او گفت، به تو نمی‌گویم تا هفت مرتبه بلکه تا هفتاد مرتبه هفت بار. بنابراین پادشاهی آسمان شبیه یک پادشاه واقعی است که تصمیم گرفت حساب‌های خود را با خدمتکارانش تسویه کند. و وقتی شروع به تسویه‌ی حساب‌هایش کرد، شخصی را نزد او آوردند که ده هزار قنطار به او بدهکار بود. اما از آنجاییکه او قادر به پرداخت آن نبود، اربابش دستور داد که او را با همسر و فرزندان و هر آنچه که داشت، بفروشند و آن پرداخت انجام شود. پس خدمتکار در مقابل او بر زمین افتاد و گفت، “ای سرور به من مهلت بده و من تمام آن را پرداخت خواهم کرد.” سپس ارباب آن خدمتکار بر او رحم کرد، او را آزاد کرد و بدهی او را بخشید. اما آن خدمتکار بیرون رفت و یکی از همکاران خود را که از او صد دینار طلب داشت، پیدا کرد؛ و او را گرفت و گلویش را فشرد و گفت، “طلب مرا ادا کن!” بنابراین خدمتکار او در مقابل پاهای او بر زمین افتاد و التماسش کرد و گفت، “به من مهلت بده و تمامی آن را به تو پرداخت خواهم کرد.” اما او قبول نکرد و رفت و او را به زندان لنداخت تا زمانی که او بدهی‌اش را پرداخت نماید. وقتی خدمتکاران آنچه که رخ داده بود را دیدند، بسیار آزرده خاطر شدند و آمدند و به ارباب‌شان آنچه را که او انجام داده بود، گفتند. بنابراین ارباب‌شان او را نزد خود فرا خواند و گفت، شما غلام شروری هستید. من تمام بدهی تو را بخشیدم زیرا تو التماسم کردی. تو نیز نباید به همکار خودت رحم می‌کردی همانطور که من به تو رحم کرده بودم؟ و اربابش خشمگین شد و

او را به جلادان سپرد تا تمام بدهی خود را پرداخت نماید. بنابراین پدر آسمانی من نیز با شما چنین خواهد کرد اگر هر یک از شما خطای برادر خود را از ته دل نبخشد (متی، ۱۸: ۳۵-۲۱).

این حکایت جالب کوچکی است. برای چند دقیقه کوتاه، در این حکایت، خودتان را به عنوان یک پادشاه تصور کنید. تصور کنید فردی مبلغ بسیار بزرگی به شما بدهکار است. او دیگر به تعهدات پرداخت خود عمل نمی‌کند و این بدهی بیشتر و بیشتر در حال عقب افتادن است. او به وضعیتی رسیده است که حتی نمی‌تواند سود بدهی‌اش را پرداخت نماید. روزی او با فروتنی می‌آید و در کمال ناامیدی می‌گوید: متأسفم، من نمی‌توانم بازپرداخت کنم. سپس شما به عنوان پادشاه به او نگاه می‌کنید و می‌گویید: بله می‌دانم که شما واقعا نمی‌توانید بازپرداخت کنید. مبلغش بسیار زیاد است. من تصمیم گرفتم کل بدهی شما را لغو کنم. اکنون می‌توانید به خانه بروید.

آیا این مرد سزاوار این بود که بدهی‌اش را لغو کنید؟ هیچ کس سزاوار بخشش نیست. بخشش همواره یک فیض است و باید آزادانه و داوطلبانه داده شود. توجه داشته باشید که پادشاه نمی‌گوید، "من ۹۸ درصد بدهی تو را می‌بخشم و لطفاً این قرارداد بازپرداخت را برای ۲ درصد باقیمانده امضا کنید." خیر، بخشش مسیحی، بخشش آزاد و کاملی است.

خواهر عزیز من، برادر عزیز من، آغاز این حکایت، یک تصویر واضح و عاطفی از تبدیل و تغییر ما است، وقتی با ناامیدی به سوی عیسی خداوند آمدیم، به دنبال بخشش و نجات بودیم. برخی از ما بیشتر از دیگران از بزرگی بدهی خود آگاهییم. همگی ما گناهکاران را محکوم کرده‌ایم اما برخی بیشتر از دیگران نسبت به گناهان‌شان آگاه هستند. آیا شما از بزرگی بدهی‌ای که بخشیده شده است، آگاهی دارید؟ برخی از مسیحیان از بدی و پلیدی گناه خود ناآگاه هستند. آن‌ها سپاسگزار هستند اما فکر می‌کنند فقط اندکی مورد بخشش قرار گرفته‌اند. وقتی از بزرگی بدهی‌ای که عیسی برای ما فسخ کرد، آگاهی پیدا کنیم، قلب ما نرم می‌شود و ما آماده‌تر می‌شویم تا از آن مثال سخاوتمندانه پیروی کنیم و همچنین بدهی‌های دیگران را ببخشیم.

با دقت به این موضوع فکر کنید. بدهی کاری که یک فرد برای آزوده‌خاطر کردن شما انجام داده است، نسبت به آزاری که شما نسبت به خداوند انجام داده‌اید، کوچکتر است. خداوند همه چیز را در مورد شما می‌داند. او از تمامی افکار بد شما آگاه است. ممکن است شما به این فکر کنید: "من هیچ‌گاه هیچ کسی را نکشتم"، اما شاید یکبار آنقدر عصبانی بودید که دوست داشتید این کار را انجام دهید! یا "من هرگز رابطه‌ی زناشویی نداشتم"، اما گاهی اوقات ایده جالبی به نظرتان آمده که تاکنون نداشته‌اید، تنها به این دلیل که از عواقب منفی احتمالی آن می‌ترسید. خداوند افکار شما را می‌داند؛ او تمام مکان‌ها و وبسایت‌هایی را که بازدید کرده‌اید، می‌داند. خون عیسی مسیح شما را به طور کامل از این پلیدی‌ها پاک کرده است. این آزادی فوق العاده‌ای است که مسیح برای ما خریداری کرده است. و اکنون عیسی خداوند به شما می‌گوید به دلیل اینکه من شما را بسیار بخشیده‌ام، از شما می‌خواهم بروید و برادران و خواهران خود را ببخشید.

در این مثال، پادشاه نسبت به برده بخشیده شده که نمی‌خواست همکار خود را ببخشد، عمیقاً ناامید است. به عبارت دیگر او می‌گوید، "نگاه کن، من بدهی غیر ممکن چند میلیونی تو را بخشیده‌ام، چرا نمی‌توانید قلب مهربانی داشته باشید و صد دیناری فرد دیگر را ببخشید؟" درست است که این فرد به شما آسیب رسانده است، او چیز نادرستی درباره‌ی شما گفته است، او چیزی از شما دزدیده است. کاری که او انجام داده است، نادرست و اشتباه است، گناه است، یک بدهی یا قرض واقعی است. موضوع این نیست که وانمود کنی آن بدهی کوچک است یا انجام اعمال شیطانی، کمتر شیطانی به نظر می‌رسد. گناه، گناه است. و بدهی، بدهی است. نکته این است که تمامی بدهی‌ها و قرض‌های انسانی در مقایسه با شیوه‌ای که من و شما خداوند را آزوده‌خاطر می‌کنیم، ناچیز است. در این مثال، عیسی چنین می‌گوید و او می‌داند که در مورد چه چیزی صحبت می‌کند.

خداوند از ما انتظار انجام چه کاری را دارد؟ پادشاه گفت، نباید به همکار خود رحم می‌کردید همانطور که من در مورد شما داشتم؟ ما باید دیگران را آزادانه و داوطلبانه ببخشیم. بخشش، همواره هدیه‌ای است که فرد لایق آن نمی‌باشد. عیسی حکایت خود را با ترغیب کردن تمامی مسیحیان به اینکه برادران خود را از صمیم قلب خود ببخشید، به پایان می‌رساند.

### دلایل به تاخیر انداختن بخشش

برای من جای شگفتی است وقتی می‌شنوم یک مسیحی چنین چیزی می‌گوید: "بله البته من او را خواهم ببخشید اما بعد از اینکه توبه کرد و نزد من آمد و از من طلب بخشش نمود". در لوقا ۱۷: ۳ عیسی خداوند گفت "اگر برادر شما نسبت به شما خطایی کند، او را توبیخ کنید و اگر توبه کرد، او را ببخشید." بنابراین صبر می‌کنم. از آنجا که این برادر سرسخت که کلیسای شاد محلی ما را ترک کرده، هنوز توبه نکرده است، من باید با صبر و حوصله بخشش خود را حفظ کنم. و آن خواهر نابالغ مسیحی که بیست سال پیش در مورد همسر من حرف ناشایستی زد، هنوز هیچ علامتی از توبه نشان نمی‌دهد. بنابراین من او را نبخشیده‌ام اما من یک مسیحی روحانی هستم؛ من آماده‌ام به محض اینکه علائم واقعی توبه را نشان دهد، او را ببخشم.

حدود ۱۸ ماه پیش، در اردوی جوانان در کلمبیا شرکت کردم. همانطور که صحبت می‌کردم، متوجه مرد جوانی حدوداً ۲۰ ساله شدم که در طول مطالعه کتاب مقدس به طرز غیر معمولی پریشان شد. او شادی نداشت و خودش نیز متوجه نبود. در زمان استراحت، من او را به کناری بردم و از او سؤال کردم موضوع چیست. او با ناراحتی به زمین زل زد و گفت: "جمعه‌ی گذشته، خواهرم مورد تجاوز قرار گرفت. او در مسیر محل کار به خانه مجبور بود در یک خیابان نسبتاً خلوت مسافتی را پیاده طی کند. دو مرد جوان او را گرفتند، یک کیسه‌ی کاغذی بر سر او گذاشتند، او را به سمت بوته‌های کنار جاده کشیدند و سپس به او تجاوز کردند. از زمانی که او به خانه آمد، من نتوانستم این موضوع را از سرم بیرون کنم. بارها و بارها در مورد آن فکر می‌کنم. احساس عصبانیت شدید دارم، می‌خواهم این مردها را پیدا کنم و آن‌ها را بکشم. من در سکوت گوش دادم و چیزی نگفتم. اندکی در درد او سهیم شدم.

اگر شما یک خواهر یا دختر داشته باشید، احتمالاً بتوانید آشفتگی داخلی این مرد جوان را تصور کنید. اگر شما یک خانم هستید، طیف انفجاری از احساساتی که خانم جوان باید تجربه کرده باشد، از شرم و درماندگی گرفته تا خشم و میل به انتقام را خوب می‌توانید تصور کنید. اما زندگی ادامه دارد. اکنون چه گزینه‌هایی در دسترس این مرد جوان و خواهرش است؟ آیا قبل از در نظر گرفتن بخشش، باید منتظر توبه باشند؟ با دانستن وضعیت کلمبیا، بعید است که این دو مرد پیدا شوند و به عدالت محاکمه شوند. چقدر ممکن است این دو نفر متجاوز در خانه‌ی او توبه کنند و بگویند خواهش می‌کنم به خاطر اشتباهی که انجام داده‌ایم ما را ببخش؟ البته، با خدا هر چیزی ممکن است اما این سناریو بسیار بعید است.

این خانم جوان چه باید بکند؟ برادر و والدین مسیحی او چه باید بکنند؟ اگر آن‌ها هفته‌ها را سپری کنند و کاری انجام ندهند، می‌توانند به این درد برای ده، بیست، چهل یا حتی سال‌های بیشتری مقید و محدود شوند. اتفاقی که آن عصر جمعه افتاد، می‌تواند تاثیر عمیقی بر خوشبختی آینده کل خانواده بگذارد. برای آن زن جوان، این اتفاق می‌تواند بر نحوه‌ی نگرش او نسبت به مردان تأثیر بگذارد. هر وقت او به رابطه‌ای عاشقانه نزدیک می‌شود، خاطرات آن عصر جمعه همراه با عصبانیت، شرم و دیگر احساسات منفی همراه آن یادآوری می‌شود. او افسرده می‌شود. اگر ازدواج کند، احتمالاً لذت بردن از صمیمیت رابطه با همسرش دشوار خواهد بود. ذهن و احساسات او به اولین بار بر می‌گردد.

خیر، خواهر و برادر عزیز منتظر نباشید تا خطاکاران از ما طلب بخشش کنند. ما باید قبل از اینکه آن‌ها درخواست کنند و حتی در صورتیکه قصد توبه نداشته باشند، بتوانیم از صمیم قلب ببخشیم.

(اگر به نظر شما این توصیه با درک شما از کتاب مقدس در تضاد است، به شما توصیه می‌کنم خواندن این فصل را متوقف کنید و این صفحه را علامت‌گذاری کرده و ابتدا بخش دوم این کتاب را بخوانید. اگر بتوانید ابتدا به تردیدهای ذهنی خود در مورد درخواست بخشش از شما، پاسخ دهید، بیشتر می‌توانید از ادامه‌ی بخش اول بهره‌مند شوید.)

ما با یک جوان ۲۶ ساله‌ی دیگر از کلمبیا که پسر یک خانواده‌ی مسیحی بود، چندین جلسه‌ی مشاوره داشتیم. زمانی که او ۱۳ ساله بود شروع به مصرف مواد مخدر کرد. او به کلیسای ما آمد و درخواست کمک کرد زیرا مستأصل شده بود. من و یک برادر دیگر، دو یا سه جلسه با این پسر جوان در مورد بخشش صحبت کردیم و سعی کردیم بخش‌هایی از بائبل را به او نشان دهیم و بگوییم که این موضوع چقدر مهم است. او فهرستی از اسامی افرادی که طی سالیان مختلف عمیقاً به او صدمه زده بودند، یادداشت کرد. پدرش نیز در این فهرست بود. پس از آن به همراه او شروع به دعا کردیم. او طبق فهرست پیش رفت و در همان لحظه برای نام‌ها دعا کرد و آن‌ها را در نام عیسی مسیح بخشید. سرانجام، به آخرین نام در فهرست رسیدیم. اگرچه او یک مرد جوان نسبتاً خشن و سختی بود، اما تسلیم شد و شروع به گریه کرد. او از دعا کردن دست کشید و گفت: "نه، این یکی را نه. من نمی‌توانم او را ببخشم. من به خودم قول دادم یک روزی او را خواهم کشت." ما از او خواستیم در مورد این احساسات قوی توضیح دهد. این فرد، همان فردی بود که او را به محل مواد مخدر معرفی کرده بود. او گفت، "وقتی بچه بودم" این فرد همیشه به من مواد مخدر رایگان می‌داد. او من را به مواد مخدر معتاد کرد. او زندگی مرا خراب کرد. او باید یک روز بتوان آن را بدهد. من او را خواهم کشت اما اگر او را ببخشم نمی‌توانم او را بکشم به همین دلیل نمی‌توانم او را ببخشم.

ما به او توضیح دادیم که این فرد نه تنها نسبت به او، بلکه نسبت به خداوند نیز گناه کرده است. در ناامیدی و عصبانیت، این مرد تصور می‌کرد اگر فروشنده‌ی مواد مخدر را ببخشد، آن فرد کاملاً آزاد و رها می‌شود. این عادلانه نخواهد بود. این موضوع با احساس عدالت او مغایرت دارد. اما خدا داور نهایی است. هیچ کس و هیچ چیز از توجه او باز نمی‌ماند. حتی پس از اینکه بخشیدیم، فرد خاطی مجبور است حساب خطای خود را به خداوند پس بدهد. اما خداوند از ما می‌خواهد او را ببخشیم.

به آن موضوع، اینگونه نگاه کن، بخشش، بریدن طنابی است که ما را به کسی متصل کرده است و همچنین پایان دادن به مطالبه شخصی ما است. ما در نام عیسی مسیح آگاهانه تصمیم می‌گیریم رها کنیم. وقتی می‌بخشیم، ما آزاد می‌شویم.

یکبار یکی از همسایه‌های من در کلمبیا از من خواست به او مبلغی پول قرض دهم. او می‌خواست تلویزیون جدید بخرد. او چنین توضیح داد که هفته‌ی بعد، این بدهی را باز پس می‌دهد. من حدود ۳۰ دلار به او قرض دادم. اما هفته‌ی بعد، اتفاقی رخ نداد. او هر روز برای رفتن به محل کار، از گوشه‌ی خانه ما عبور می‌کرد تا سوار اتوبوس شود. اما از آن روز به بعد، او برای سوار شدن به اتوبوس از سمت دیگر خله‌ی ما عبور می‌کرد. او از برقراری ارتباط با ما اجتناب می‌ورزید. یک ماه و حتی دو ماه گذشت اما اتفاقی نیوفتاد. هر موقع او را می‌دیدم یا در مورد او می‌شنیدم، با خودم فکر می‌کردم "آه ۳۰ دلار من از دست رفت. او فکر می‌کند من نادان هستم یا فراموش کرده‌ام؟ چه اتفاقی برای ۳۰ دلار من می‌افتد؟" در برخی فرهنگ‌ها، صحبت کردن مستقیم در مورد موضوعات مالی خیلی آسان نیست. اگر مسئله را با او مطرح کنم، او احساس تهدید یا تحقیر می‌کند، خصوصاً به این دلیل که من اروپایی هستم. سرانجام راه‌حل ساده‌ای به ذهنم رسید. او را ببخشم یا رابطه‌ام را با همسایگانم خراب کنم. بنابراین من او را از عمق قلبم بخشیدم. من فقط بدهی ۳۰ دلاری را نبخشیدم، بلکه به نام عیسی رفتار ناخوشایند او را نیز نسبت به خودمان بخشیدم. در نتیجه من می‌توانم دوباره او را به عنوان همسایه‌ی عادی خودمان ببینم. او هنوز مشکل دارد اما من دیگری مشکلی با او ندارم. بخشش او من را آزاد ساخت تا بتوانم با همسایه‌ام رفتار عادی داشته باشم.

## بخشش، عدالت یا انتقام

در عهد عتیق، فردی به نام زکریا را می‌بینیم. مردم، پیغامی را که خداوند به او داده بود تا با دیگران به اشتراک بگذارد، دوست نداشتند و تصمیم گرفتند او را سنگسار کنند. سپس روح خدا بر زکریا پسر یهویداع کاهن نازل شد. او در مقابل قوم ایستاد و به آن‌ها گفت، خداوند می‌فرماید: "چرا از دستورات من سرپیچی می‌کنید بنابراین شما نمی‌توانید کامیاب شوید؟ از آنجاییکه شما خداوند را ترک گفته‌اید، او نیز شما را ترک کرده است." بنابراین آن‌ها بر علیه او توطئه کردند و به دستور پادشاه، او را در حیاط خانه‌ی خداوند سنگسار کرده، کشتند. پس یوآش پادشاه، خوبی‌هایی را که یهویداع پدر زکریا برای او انجام داده بود از یاد برد و پسرش را کشت. زکریا قبل از مرگش چنین گفت: "خداوند این را ببیند و از شما بازخواست کند." (دوم تواریخ ۲۴: ۲۰-۲۲) به آخرین کلمات این مرد در حال کشته شدن توجه فرمایید. این درخواستی برای عدالت بود. این واکنشی در عهد عتیق است. عیسی مسیح خداوند در حالی که کشته می‌شد، چه فرمود؟ آیا او خواستار عدالت بود؟ خیر، رهبران یهودی، سربازان رومی، جمعیت کنجکاو و ناسپاس هیچ نشانه‌ای از توبه را نشان ندادند. واضح بود که اکثر آن‌ها از آنچه در جریان بود، آگاهی نداشتند. غالباً افرادی که دیگران را مورد اهانت و آزار قرار می‌دهند، از آسیب‌هایی که وارد می‌کنند آگاهی ندارند. طرح عهد جدید پاسخی است که خداوندمان عیسی مسیح می‌دهد: "پدر، آن‌ها را ببخش ..." (لوقا ۲۳: ۳۴).

چند سال بعد، استیفان سنگسار شد. این باید یک روش بی‌رحمانه و زشت برای مرگ باشد: او در حضور کاهن اعظم و شورا و جمعیت یهودیان محاکمه شده بود. سپس استیفان پیغامی را که از طرف خداوند دریافت کرده بود، توضیح داد. "آن‌ها خشمگین شده بودند و دندان‌های خود را به هم می‌فشارند ... آن‌ها گوش‌های خود را گرفته و با صدای بلند فریاد می‌زدند، همگی به او حمله بردند، او را به بیرون شهر کشاندند و شروع به سنگسار او کردند." استیفان در حالی که کشته می‌شد، چه گفت؟ "در همان حالیکه او را سنگسار می‌کردند، استیفان چنین دعا کرد، "ای عیسی خداوند، روح مرا بپذیر." سپس روی زانو افتاد و با صدای بلند گریه کرد، "خداوند این گناه را به حساب آنان نگذار." وقتی که او این را گفت، جان سپرد. (اعمال رسولان ۷: ۵۴-۶۰). استیفان از عیسی مسیح سرمشق گرفته بود و راه او را دنبال کرد.

سال‌ها بعد، پولس رسول را می‌بینیم که به پایان عمرش رسیده بود. از زمان تغییرش، او تمام زندگی خود را صرف موعظه‌ی انجیل و کمک به راهاندازی کلیساهای محلی جدید کرده بود. زمانیکه او داوری و محکوم شد او خود را تنها احساس کرد: در نخستین جلسه‌ی دادگاه، هیچکس برای کمک به من، در جلسه حضور نیافت؛ همه مرا ترک کردند. (دوم تیموتائوس ۴: ۱۶). چه مجموعه بی‌نظیری از مسیحیان! پولس زندگی‌اش را وقف این افراد کرده بود. او دلایل کافی برای احساس ناامیدی و حتی تلخی نسبت به آن‌ها داشت. اما پولس چه می‌گوید؟ امیدوارم این خطا به حساب ایشان گذاشته نشود. اما خداوند کنار من ایستاد و به من قوت بخشید. (دوم تیموتائوس ۴: ۱۶-۱۷). پولس رسول نیز از عیسی خداوند الگو گرفت و راه او را دنبال کرد.

## سوءبرداشت‌ها در مورد بخشش

اکنون باید توجه خود را به برخی سوء تفاهم‌ها درباره‌ی بخشش معطوف نماییم. برخی افراد می‌گویند، "بخشش؟ خیر! بخشش کار منصفانه‌ای نیست. افراد باید جریمه‌ی اشتباهاتی که مرتکب شده‌اند را پرداخت نمایند." آیا این درست است؟ وقتی کسی پرداخت بدهی‌اش به بانک را به پایان برساند، آزاد می‌شود. او به بخشش بانک نیازی ندارد. زمانیکه یک زندانی پنج سال زندان را تحمل نماید، آزاد می‌شود. او پس از آن آزاد است. او مبلغ عادلانه‌ی پرداخت می‌کند و نیازی هم به بخشش ندارد. با این حال، مطابق کتاب مقدس، بخشش در مورد عدالت نیست، بلکه فیض است. خداوند همواره مراقب برقراری عدالت است. این در ماهیت و ذات خداوند است. از ما به عنوان یک فرد آسیب‌دیده و مورد اهانت قرار گرفته، خواسته می‌شود تا آزادانه و از روی لطف ببخشیم.

دیگران می‌گویند، "بخشش فراموش کردن است. و از آنجاییکه من هرگز کاری که او با من کرده است را فراموش نخواهم کرد، من نمی‌توانم ببخشم". داستانی که در پیشگفتار خواندید را به یاد آورید، در مورد تراشه‌ی تیز شیشه‌ای که در بازوی کسی به طور عمیق فرو رفته است. افرادی که نمی‌بخشند، همانند کسی هستند که یک تراشه شیشه‌ی شکسته در بازویشان دارند. آن تکه شیشه به طور مرتب دردهای شدیدی ایجاد می‌کند که برای فرد قربانی یادآور آن اتفاق است. فردی که نبخشیده است، یک واکنش سخت و غیرعادی در مواجهه با موقعیت‌ها، نگرش‌ها یا افراد خاص، تجربه خواهد کرد.

برای رهایی از این تکه شیشه، چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ بازوی خود را با صابون تمیز کنیم؟ از ضدعفونی‌کننده‌ی قوی استفاده کنیم؟ روان‌درمانگرها می‌توانند به شما کمک نمایند تا دریابید چه چیزی باعث درد شما می‌شود و به شما آموزش می‌دهند تا از چنین شرایطی اجتناب نمایید. اگر توصیه‌های آن‌ها را دنبال کنید، درد شما کمتر خواهد شد. اما این شیوه مسیحیتی نیست. ما می‌توانیم کار بهتری انجام دهیم. عیسی خداوند از پیروانش می‌خواهد تا از صمیم قلبشان ببخشند، این برای از بین بردن شیشه تیز است. برای خارج نمودن جسم خارجی لازم است بازو باز شود. بخشش دردناک است. چیزهای بدی که دیگران در مورد شما گفته‌اند، یا انجام داده‌اند را بیاد آورید و با صدای بلند بگویید "اکنون من می‌بخشم، اکنون من او را رها می‌کنم" این واقعا دردناک است. اما لازم است آن تکه شیشه را خارج کنیم تا زخم به درستی بهبود یابد. فقط پس از اینکه بخشش حقیقی اتفاق افتاد، فرایند فراموش کردن می‌تواند شروع گردد. آیا ما واقعا می‌توانیم خطای جدی را فراموش کنیم؟ مادامیکه شیشه در بازوی شما است، شما درد مداومی را تجربه خواهید کرد که یادآور آن آسیب می‌باشد. شما هرگز قادر به فراموش کردن نخواهید بود. اما یکبار که از ته قلب ببخشید، آن شیشه از بین می‌رود. بازوی شما شروع به بهبود می‌کند. به مرور زمان بازوی شما به‌طور کامل حرکت می‌کند. ما برخی تجربیات را هرگز در زندگی فراموش نمی‌کنیم. جای زخم روی بازوی ما همیشه قابل مشاهده خواهد بود.

اما پس از اینکه از ته قلب ببخشید، درد ناشی از این خاطره کاهش می‌یابد. زمانی می‌رسد که با به خاطر آوردن آن آسیب، هیچ دردی حس نمی‌کنید. با بخشش، خداوند دردهای شما را التیام می‌بخشد. زمانی که شما تصمیم می‌گیرید از عیسی مسیح اطاعت کنید و خطاکاران را با تمام وجود ببخشید، ناامیدی، عصبانیت و میل به انتقام نسبت به کسانی که به شما خطایی کرده‌اند یا گناهی مرتکب شده‌اند، به تدریج با ترکیبی از غم، نگرانی، ترحم، شفقت و همدردی جایگزین می‌شود.

برخی افراد می‌ترسند که اگر دیگران را ببخشند، راه برای سواستفاده آن‌ها باز می‌شود. "اگر من این مردم شرور را ببخشم، آن‌ها به آزدن من ادامه می‌دهند." بله ممکن است این اتفاق رخ دهد. پس از اینکه ببخشید، ممکن است نیاز باشد برخی اقدامات محافظتی نیز بکار گیرید. صبح یک روز یکشنبه هنگامی که ما در کلیسا بودیم، تعدادی دزد در کلمبیا قفل خانه‌ی ما را شکسته و وارد خانه شده و برخی وسایل ما را با خود بردند. ما آن سارقان ناشناس را ببخشیدیم اما با این حال من به پلیس اطلاع دادم و محافظ‌های فلزی بیرون پنجره‌های خود را تقویت کردیم. پس از بخشش، بهتر است برخی اقدامات پیشگیرانه به کار گرفته شود.

برخی افراد می‌گویند که آن‌ها تحت شرایط خاصی می‌بخشند: اگر قول دهی که دیگر انجامش ندهی، تو را خواهم بخشید. این بخشش نیست. البته ما امیدواریم که فرد خطاکار توبه کند یا حداقل مجدداً مرتکب خطا نگردد، اما بخشش ما نباید به آن وابسته باشد. ما بدون شرط و از اعماق قلبمان می‌بخشیم. بخشش، هدیه‌ای از فیض است و فرد همیشه سزاوار این فیض نیست. این هدیه رایگان است.

برخی افراد می‌گویند اگر حس کنند دوست دارند شخصی را ببخشند، خواهند بخشید. دیدگاه آن‌ها این است که زمانی که عمیقاً ما دوست نداریم کسی را ببخشیم، بخشیدن فرد خطاکار ریاکارانه است. اما اگر صبر کنیم تا تمایل برای بخشش احساس کنیم، احتمالاً هرگز نمی‌بخشیم.



همچنین بخشش عمل فرمانبرداری است. آیا زندگی خود را به عیسی خداوند تسلیم کرده‌ای؟ آیا او اکنون رئیس، ارباب و صاحب زندگی شما است؟ اکنون او به شما دستور می‌دهد که کسی را که به شما آسیب رسانده است، ببخشید. او به شما دستور می‌دهد تا با تمام وجود ببخشید. حال چه باید بکنیم؟ تنها جایگزین صادقانه، فرمانبرداری، عمل کردن و بخشش است حتی زمانی که منجر به آسیب شده است.

## بخشش و تلخی

عبرانیان ۱۲: ۱۵ را در نظر بگیرید. "مواظب باشید مبادا کسی از شما از خدا دور شود و تلخی در میان شما ریشه ندواند، زیرا باعث اضطراب شده، به زندگی روحانی لطمه‌ی بسیاری خواهد زد."

یکی از پیامدهای عدم بخشش، رکود روحانی است. این آیه، عوامل غم‌انگیز دیگری را برجسته می‌کند. فقدان بخشش یکی از مواردی است که ریشه‌ی تلخی را در قلب ما ایجاد می‌کند و این تلخی منجر به ایجاد مشکلات و آلوده کردن دیگران می‌شود. یک زن کینه‌ای و تلخ می‌تواند بر همسر یا بچه‌هایش تأثیر گذارد. یک مرد کینه‌ای و تلخ نیز می‌تواند بر کلیسا و محل کارش تأثیر گذارد. تلخی برای مدتی طولانی پنهان نمی‌ماند. تلخی راهی را برای به نمایش گذاشتن خود پیدا می‌کند و وقتی این کار را انجام دهد، دیگران را نیز آلوده می‌سازد. اگر کسی بگوید من نمی‌توانم ببخشم، چه اتفاقی می‌افتد؟ به عنوان مثال داستان زن جوانی را که مورد تجاوز قرار گرفته بود در نظر بگیرید. شاید کسی در جوانی مرتباً توسط دایی یا عموی منحرف مورد آزار و اذیت قرار گرفته باشد. برای برخی افراد، امکان بخشش موجب عصبانیت در آن‌ها می‌گردد. "نه! من نمی‌توانم به سادگی ببخشم! غیر ممکن است!" اگر فکر می‌کنید غیر ممکن است هرگز قادر به انجام آن نخواهید بود. اما با کمک خدا غیر ممکن نیست.

یکبار فردی به من گفت که اگر بخشیدن خطای رخ داده بسیار مشکل باشد، او این چنین دعا می‌کند، "خدایا این فرد را ببخش چون من نمی‌توانم." این، اجتناب از مسأله است. این فرمانبرداری نیست. خدا زمانی فرد خاطی را می‌بخشد که توبه کرده باشد. او می‌داند که چه می‌کند. اما او از ما می‌خواهد که افرادی را که به ما بدی کرده‌اند (خطایی مرتکب شده‌اند) از صمیم قلبمان ببخشیم. او ما را برای فرمانبرداری از او توانمند می‌سازد. دعای بهتر اینگونه خواهد بود، "خدایا من ضعیف هستم، من برای بخشش او احساس ناتوانی می‌کنم. مرا قویتر ساز؛ به من کمک کن تا از تو اطاعت کنم و او را ببخشم." و بعد در نام عیسی او را می‌بخشیم. خداوند عادلانه عمل می‌نماید. اما خدا از ما انتظار دارد تا فیض نشان دهیم، اطاعت کنیم و ببخشیم.

گاهی اوقات بعد از یک گناه بسیار جدی، ذهن و احساسات ما در وضعیت متلاطمی قرار می‌گیرد که قادر به تصمیم‌گیری نمی‌باشیم. ما صدمه‌دیده و گیج هستیم. برخی روزها یا هفته‌ها ممکن است لازم باشد قبل از اینکه به اندازه‌ی کافی "با آن" باشیم، دوباره تصمیم بگیریم. اما اگر پس از هفته‌ها به گفتن این جمله ادامه دهیم که "من نمی‌توانم ببخشم"، ما در عدم بخشش احساس توجیه کردن خواهیم داشت. اگر خداوند به ما دستور داده است که ببخشیم، پس بخشش امکان پذیر است. این یک تصمیم ارادی است. ما تصمیم می‌گیریم که خطاکاران را ببخشیم و ما در فرمانبرداری و اطاعت از عیسی خداوند تصمیم به بخشش می‌گیریم. البته، این کار همواره کار راحتی نیست.

سال‌ها پیش، زمانی که در مورد بخشش سخنرانی می‌کردم، وقتی شنوندگان پیغام سخنرانی را درک کردند، احساس رضایت نمودم. وقتی که شنوندگان متوجه شدند که بخشش برای رشد کردن به عنوان یک مسیحی لازم است، احساس کردم که وظیفه‌ام را تکمیل نموده‌ام. اما به زودی متوجه شدم که شنوندگان متوجه پیغام بخشش می‌شوند، با پیغام بخشش موافق هستند، و آن‌ها می‌توانند با شنیدن پیغام بخشش شاد شوند اما در نهایت به خانه که بروند، نمی‌توانند ببخشند. تصمیم گرفتم

استراتژی‌ام را تغییر دهم. امروز، وقتی درس بخشش را تمام می‌کنم بلافاصله فرصتی برای بخشش ایجاد می‌کنم. افراد را به چند لحظه سکوت تشویق می‌کنم تا شنوندگان بتوانند قبل از رفتن به خانه به هشدارهای روح‌القدس پاسخ دهند، اطاعت کنند و ببخشند. شما نیز در پایان بخش اول چنین فرصتی را خواهید یافت.

### زمانیکه یک ایماندار قادر به بخشیدن نیست

گاهی اوقات یک مسیحی متقاعد می‌شود که باید ببخشد، تمایل به بخشیدن دارد، حتی ممکن است تصمیم بگیرد که ببخشد اما با این حال نمی‌تواند بگوید می‌بخشم. چیزی او را از گفتن این جمله باز می‌دارد. تا زمانی که خودم با چنین شرایطی روبرو نشده بودم، فکر نمی‌کردم این ممکن باشد. یکی از خواهران جدید ما سعی کرد همسر خود را ببخشد. در طول جلسات مشاوره، او شروع به دعا کرد: "در نام عیسی مسیح، من ..... و او نتوانست ادامه دهد. کلمات نمی‌توانستند از دهان او خارج شوند. به وضوح این یک نبرد روحانی بود. این وضعیتی است که در نامه یعقوب ۵: ۱۶ بکار برده شده است: "نزد یکدیگر به گناهانتان اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید." این نبردهای روحانی نبردها و مبارزات واقعی در حوزه‌ی روحانی هستند.

اگر یک ایماندار نبردی واقعی در بخشش دیگران داشته باشد، می‌توانیم گرد هم آییم، دو یا سه تن از برادران و خواهران و یا جمعی از ایمانداران آنقدر دعا کنیم تا اتفاقی رخ دهد. این خواهر از کلیسای محلی ما در کلمبیا عادت به خودفروشی داشت. حدود یک سال پس از تغییر او، ما یکسری مشاوره به او توصیه کردیم. به همراه یک برادر ایماندار دیگر، ما بعد از ظهر روزهای سه‌شنبه جلسه‌ای دو ساعته با او داشتیم. ما به طور گسترده در مورد موضوع بخشش با او صحبت می‌کردیم. او با توضیحات مطابق با کتاب مقدس موافق بود، او موافق بود که نیاز به بخشش دارد و تمایل داشت اینکار را انجام دهد. او فهرستی طولانی از افرادی که به او صدمه زده بودند، نوشت، یعنی مردمی که او می‌خواست آن‌ها را ببخشد. ما او را در دعاها نیز حمایت می‌کردیم و او با دعا، تک تک افراد فهرست خود را بخشید. او این چنین دعا می‌کرد: "من همسایه‌ام، مارتا را به خاطر آنچه ۵ سال پیش بر علیه من کرده است، می‌بخشم. او بر سر دختر کوچک من فریاد زد و موهای او را کشید. این باعث شد من به عنوان مادر احساس بی‌کفایتی کنم و از همان زمان من از او متنفر هستم." او در دعای خود پس از اشاره نام فرد، کاری که آن فرد انجام داده بود را توصیف کرد. او احساسش را نیز بیان کرد – این بخشی از برش دادن زخم باز برای برداشتن شیشه است – و پس از آن، در صورت لزوم، از او پروردگار می‌خواست تا واکنش یا نگرش منفی او را ببخشد. او دعای خود را با این جمله به پایان می‌رسانید "در نام عیسی، من این فرد را رها می‌کنم، من او را می‌بخشم."

کار کردن با فهرست اسامی می‌تواند فرایند طولانی و خسته کننده باشد. گاهی اوقات کل فرایند می‌تواند مکانیکی باشد. اما تسلیم نشوید، نتیجه خواهد داد. وقتی واژه‌ی بخشش را تلفظ می‌کنیم واقعا اتفاقاتی رخ می‌دهد. او از نام همسرش گذر کرد و ما لیست اسامی او را ادامه دادیم. البته در پایان، به نام همسرش بازگشتیم. همسر او همان کسی بود که او را به خودفروشی مجبور کرده بود. او شروع به دعا کرد اما نتوانست نام او را ادا کند. برای کمک به او ما کلمات دعا را روی کاغذ نوشتیم. او مجبور بود فقط بخواند و دعا کند. او مجددا و مجددا تلاش کرد. او بی وقفه در صندلی خود حرکت می‌کرد. از او پرسیدیم "می‌خواهی او را ببخشی؟" او جواب داد: "بله" اما او هنوز نمی‌توانست آن دعای ساده را با صدای بلند دعا کند. ما حدود نیم ساعت با همدیگر تلاش کردیم. زمان به پایان رسیده بود و ما مجبور بودیم متوقف کنیم و در هفته‌ی آینده ادامه دهیم. طی روزهای آتی، برادر کلمبیایی و من در مورد وضعیت او با هم صحبت کردیم. او اشاره کرد که احتمالا شیاطین در این مورد درگیر بوده‌اند، و آن خواهر با نیروهای شیطان تسخیر شده است. قبل از جلسه‌ی مشاوره‌ی بعدی، ما تصمیم گرفتیم روزه بگیریم و دعا کنیم. در ادامه این کلام در متی ۱۷:۲۱ آمده است.

وقتی ما همدیگر را ملاقات کردیم، مجددا در مورد بخشش صحبت کردیم. او هنوز می‌خواست همسرش را ببخشد پس برای او دعا کردیم و ترغیب نمودیم تا در دعا همسرش را ببخشد. مجددا او نتوانست کلمات دعا را ادا نماید. من اندکی احساس ناامیدی کردم. آن، فقط یک دعای کوتاه و مختصر بود. کافی بود او با صدای بلند بگوید "من او را می‌بخشم". چرا نمی‌توانست بگوید؟ من به او گفتم: "من به آرامی دعا می‌کنم و تو به سادگی پس از هر یک کلمه من، آن را تکرار کن." او موافقت نمود. اما مجددا در بیان "من..." گیر افتاد او نتوانست واژه‌ی "می‌بخشم" را بیان کند. پس از حدود نیم ساعت دعا و تلاش، او نهایتاً واژه‌ی "می‌بخشم" را بیان نمود. پس از آن، در بیان اسم همسرش متوقف گردید و نتوانست اسم او را ادا کند. او به لحاظ روحی صبور نبود. یک مبارزه روحانی در حال بروز بود. پس از گذشت بیش از یک ساعت، او نتوانست همسرش را در دعا با صدای رسا ببخشد. پس از دعا او چشمانش را از زمین بلند کرد و به ما نگاه کرد. چهره‌اش تغییر کرده بود. چهره‌ی او در حال درخشش بود. در حدود یک سال و نیمی که او را می‌شناختم، این بار تقریباً اولین باری بود که او به چشمان من نگاه کرد. او غالباً فردی صمیمی و خجالتی بود اما از برقراری ارتباط چشمی اجتناب می‌ورزید. او بخشیده بود. اکنون او آزاد و رها بود.

ما هرگز نباید برادر یا خواهرمان را که نمی‌تواند دیگران را ببخشد، محکوم کنیم. ممکن است دل‌سرد شوند و گمان کنند که هرگز نمی‌توانند ببخشند. این افراد می‌توانند دیگران را ببخشند اما شاید نیاز به کمک و حمایت مسیحیان دیگر داشته باشند.

### چه چیزهایی در بخشش درگیر هستند؟

دقیقاً بخشش چیست؟ بخشش به معنی لغو یک جنبه بدهی است. منظور این است که عمدا حقوق خود را کنار بگذارید. منظور از بخشش این است که طنابی که شما را به موقعیت، خاطره یا فرد خاصی پیوند می‌دهد، قطع کنید. بخشش، تصمیم برای عدم نگه داشتن گناهان دیگری است.

بخشش شامل تلاش برای به حداقل رساندن میزان گناهان کسی نمی‌شود. بخشش شامل تلاش برای یافتن توضیحات و توجیهات برای گناهکاران نیز نمی‌شود. خیر! بخشش به معنای تشخیص وحشت واقعی از کاری است که این شخص انجام داده و بعد آن را گناه خوانده و سپس به نام عیسی طلب آزادی و رهایی برای این شخص کردن است. زمانیکه فردی را می‌بخشیم، تصمیم می‌گیریم که گناهان دیگری را تحمل نکنیم.

با دقت گوش دهید، بخشش به معنای پذیرش زندگی با پیامدهای منفی و دردناک ناشی از گناه دیگری است.

تصور کنید با دوچرخه یا موتور در مسیر منزلتان هستید. به هنگام عبور از چهارراه، یک ماشین که پشت چراغ قرمز توقف نکرده است، مستقیماً به طرف شما می‌آید. راننده‌ی ماشین مست است. شما به بیمارستان منتقل شدید و متأسفانه باید پای راست شما را قطع کنند. اکنون باید شما زندگی خود را با یک پا ادامه دهید. چرا؟ تقصیر چه کسی بود؟ تقصیر آن مرد مست، وظیفه‌شناس و خودخواه بود. هر وقت بخواهید از تخت خود به سمت حمام بروید، هر موقع که دوش می‌گیرید و صابون شما زمین می‌افتد، هر موقع دوستان خود را ببینید که می‌دوند یا فوتبال بازی می‌کنند، شما آن تصادف را به خاطر خواهید آورد. منصفانه نیست. اتفاقات زیادی در طول روز شما را به فکر آن تصادف و آن راننده‌ی بی دقت فرو می‌برد. زندگی شما با این تصادف به طور کامل تغییر کرده است. گاهی اوقات احساس افسردگی می‌کنید، گاهی اوقات بسیار عصبانی می‌شوید. و آن راننده‌ی مست چطور؟ بیمه‌ی او هزینه تصادف را پرداخت کرده است. او ماشین جدید خریده است. گواهینامه‌ی رانندگی او دوباره به او برگردانده شده است. او حادثه را نیز فراموش کرده است. او به شما و موقعیتان اهمیتی نمی‌دهد. در حقیقت، ممکن است او هنوز گاهی اوقات مست رانندگی کند. زندگی او به شرایط عادی بازگشته است اما زندگی شما به طور غیرقابل جبران آسیب دیده است. او گناه کرده است و شما برای آن دعا می‌کنید. شما از عاقبت بی‌دقتی و خودخواهی او در ادامه‌ی زندگی خود رنج خواهید برد.

بخشش چیست؟ به معنای پذیرش زندگی با پیامدهای منفی و دردناک ناشی از گناه دیگری است. "در نام عیسی مسیح من راننده‌ی مست وظیفه‌شناس را می‌بخشم! من زندگی با محدودیت داشتن یک پا را می‌پذیرم." اگر شما برای بخشش از صمیم قلبتان دعا کنید، از احساسات منفی ناشی از این تصادف رها خواهید شد. پس از بخشش شما همچنان یک پا خواهید داشت. اما شما فرد شادی با یک پا خواهید بود. انتخاب واقعا بسیار ساده است. شما دو گزینه دارید. شما می‌توانید فردی تلخ با یک پا باشید یا فردی شاد با یک پا. عیسی خداوند شما را باز خرید نموده است، او شما را آزاد و رها کرده است. او از شما می‌خواهد حتی با یک پا از این آزادی لذت ببرید. بخشش را انتخاب کنید. زندگی با عواقب دشوار گناه شخص دیگر را بپذیرید.

شاید در حال حاضر به خاطر اشتباهات، بی‌دقتی، خودخواهی و گناه دیگران رنج می‌برید. شاید مادر شما سیگاری است و ریه‌های شما دچار مشکل شده است. شاید پدر حکمفرمایی دارید. او با اجبار نمودن شما برای تحصیل در حوزه‌ای که هرگز علاقه‌ای بدان نداشتید، کارراهه شما را از بین برده است. ممکن است پسر یا دختر شما فرد نادرستی را برای ازدواج انتخاب کرده است. شاید برخی از افراد نافذ باعث جدایی در کلیسای محلی شما شده‌اند. اعمال و تصمیمات غلط آن‌ها، شما را تحت تأثیر قرار داده است. شما به خاطر آن‌ها آسیب دیده‌اید. چه گزینه‌هایی دارید؟ چه کاری می‌توانید انجام دهید؟ شما می‌توانید از عیسی مسیح فرمانبرداری کنید و آن‌ها را از صمیم قلبتان ببخشید. این بدین معنی نیست که شما موافق آن‌ها هستید. بخشش، حتی در مواقعی که شرایط تغییر نیابد، درهای لذت و آزادی را باز می‌کند.

حال نگاهی می‌اندازیم به مثال‌هایی از کتاب مقدس در مورد افرادی که بخشیدند و نبخشیدند.

### افرادى که نمى‌بخشند

#### مفیبوشت

"یوناتان، پسر شائول، پسری داشت که پای لنگی داشت. هنگامی که شائول و یوناتان در جنگ یزرعیل کشته شدند، مفیبوشت پنج ساله بود و پرستارش او را برداشت و فرار کرد. اما هنگام فرار به زمین خورد و بچه از دستش افتاد و پایش لنگ شد. نام او مفیبوشت بود." (دوم سموئیل ۴: ۴)

این، داستان مردی جوان به نام مفیبوشت است. او نمی‌توانست فوتبال بازی کند. او هیچ صندلی چرخداری نداشت. او باید بر الاغی سوار می‌شد و از آن پیاده می‌شد. و تمام این پیچیدگی‌ها در زندگی او توسط آن پرستار ایجاد شده است که او را در کودکی بر زمین انداخت. نمی‌دانم این مرد چند بار از اینکه چرا آن زن کمی دقت نکرده بود، دچار حیرت شده است. او در کمال سلامتی متولد شده بود. او از خانواده‌ی سالمی متولد شده بود. اما باید به عنوان یک مرد لنگ به ادامه‌ی زندگی بپردازد. آیا می‌توانید آن لحظه‌های توأم با افسردگی و عصبانیت وی را تصور کنید زیرا چنین افکاری بارها و بارها از ذهنش عبور می‌کنند؟

"بنابراین پادشاه به او گفت: او کجاست؟ و صیبا پاسخ داد؛ در واقع او در لو دبار در منزل ماخیر، پسر عمی‌ئیل است. پس داود پادشاه فرستاد تا مفیبوشت را از خانه‌ی ماخیر، پسر عمی‌ئیل، از لو دبار به نزدش بیاورند. زمانیکه مفیبوشت پسر یوناتان و نوه‌ی شائول نزد داود پادشاه آمد، روی صورتش افتاد و سجده کرد. سپس داود گفت: مفیبوشت و او جواب داد خدمتکار شما اینجاست ... مفیبوشت تعظیم کرد و گفت: «خدمتکار شما چیست، آیا شما باید به یک سگ مرده همچون من نگاه کنید؟»

داود پادشاه در جستجوی نوادگان شائول بود تا به خاطر پسر او یوناتان، به آن‌ها مهر ورزد. مشخص گردید که مفیبوشت تنها فردی بود که باقیمانده بود و داود می‌خواست او را بیابد. اما مفیبوشت کجا بود؟ او در شهر لو دبار بود. معنای نام آن مکان "بدون چراگاه" بود. چه وضعیت غم‌انگیز و تأسف باری بود. مردی که در یک قصر متولد شده بود و از خانواده‌ی سلطنتی بود، اکنون با معلولیت در بیابانی در مکانی خشک و بدون چراگاه زندگی می‌کرد. فکر می‌کنید او از تمسخرآمیز بودن وضعیت

ناامیدکننده خود غافل است؟ ای کاش این پرستار کار خود را به درستی انجام داده بود. پرستاران باید مراقب بچه‌ها باشند، نه اینکه آن‌ها را ناتوان کنند. "من برای این متولد نشده بودم!" "من به یک خانواده‌ی سلطنتی متعلق هستم اما در بدبختی زندگی می‌کنم!" "این اصلاً عادلانه و منصفانه نیست!"

فقدان بخشش، قلب انسان را به تدریج تباہ می‌کند. به مرور زمان می‌تواند بر دیدگاه شما نسبت به خودتان تأثیر منفی بگذارد. خدمتکار شما چیست آیا شما باید به یک سگ مرده همچون من نگاه کنید؟ (آیه ۸) مفیوشت نوه‌ی اولین پادشاه اسرائیل حال خود را به عنوان سگ مرده در نظر گرفته است. همه‌ی ما متفاوت ساخته شده‌ایم. برای برخی افراد، تصمیم عدم بخشش سایرین، آن‌ها را به مسیر خودخوری، عزت نفس پایین و افسردگی سوق می‌دهد. به خاطر کاری که دیگری انجام داده است، "اکنون کم ارزش‌تر از یک سگ هستم. در واقع من یک سگ مرده هستم و هیچ ارزشی ندارم!"

### یفتاح

به مثال دیگری نگاه می‌کنیم. یفتاح جلعادی جنگجوی توانایی بود. پدرش جلعاد بود و مادرش، زن بدکاره‌ای بود. زن جلعاد چند پسر دیگر نیز به دنیا آورد و وقتی که آن‌ها بزرگ شدند، یفتاح را از شهر خود بیرون راندند. آن‌ها به یفتاح گفتند تو هیچ سهمی از ارث پدری ما نخواهی داشت زیرا تو پسر زن دیگری هستی. بنابراین یفتاح از نزد برادران خود گریخت و در سرزمین طوب ساکن شد. در این سرزمین عده‌ای از افراد ولگرد دور او جمع شده و از او پیروی کردند. (داوران ۱۱: ۱-۳)

اینجا فردی به نام یفتاح را می‌بینیم. این مرد معمولاً به عنوان کسی که دختر خود را قربانی کرد، به یاد آورده می‌شود. زیرا دختر او اولین کسی بود که پس از بازگشت پیروزمندانه یفتاح از جنگ، در خانه به دیدار او آمد. (داوران ۱۱: ۱۸-۴۰) اما در داوران باب یازدهم در مورد دوران کودکی یفتاح می‌خوانیم. آیا به نظر شما این مرد جوان با فکر اینکه مادر او زن بدکاره‌ای بوده، احساس راحتی و آرامش داشته است؟ فرزندان افراد بدکاره چه طرز فکری دارند؟ من محصول یک رابطه‌ی عاشقانه نیستم. پدر من برای داشتن یک رابطه‌ی جنسی سریع و خودخواهانه پرداخت کرده است و ... من اکنون اینجا هستم. تولد من بدشانشی مادرم بوده است. من بی‌ارزش هستم. من یک اشتباه هستم. برای مدتی یفتاح اجازه داشت از آرامش خانه‌ی پدری خود بهره‌مند گردد. اما برادران ناتنی یفتاح، او را نمی‌پذیرفتند. آن‌ها فکر نمی‌کردند که او شایسته‌ی دریافت سهمی از میراث پدرشان باشد. آن‌ها او را از خانه‌ی پدرشان بیرون کردند.

می‌توانید تصور کنید در قلب این مرد جوان چه اتفاقی رخ داده است؟ واکنش او نسبت به مفیوشت متفاوت بود. نارضایتی او منجر به افسردگی نشد بلکه منجر به پرخاشگری شد. او در قدرت و خشونت عالی بود. او گروهی از افراد ولگرد را جذب خود کرد.

سال‌ها بعد، بزرگان جلعاد یفتاح را فرا خواندند. آن‌ها ظرفیت جنگاوری او را تشخیص دادند و از او خواستند فرمانده آن‌ها در مقابل عمونی‌ها باشد. اما یفتاح به بزرگان جلعاد گفت: آیا شما از من متنفر نبودید و مرا از خانه‌ی پدری‌ام بیرون نکردید؟ چرا حال که در پریشانی هستید، پیش من آمده‌اید؟ (داوران ۱۱: ۷) تا حدودی می‌توان درد را در صدای او احساس کرد: "شما مرا بیرون کردید." "پدر شما، پدر من نیز بود." "شما مرا از پدر و خانه‌ی پدری‌ام بیرون کردید." "من هیچ کار اشتباهی انجام نداده بودم، اما شما از من متنفر بودید." اینجا مردی با درد است که برادران خود را نبخشیده است. اکنون او مرد بزرگسالی است اما نفرت دوران کودکی خود را فراموش نکرده است. او هنوز به تاریخچه‌ی ناخوشایند خانواده‌ی خود گره خورده بود. او احساس نیاز برای اثبات خود در برابر برادران خود می‌کرد. با قوی شدن و پرخاشگری او می‌توانست به خود و دیگران ثابت کند که بالرش است. "شاید من فرزند یک زن بدکاره باشم اما جنگجوی درجه یکی هستم." او یک مرد آزاد نیست زیرا با مشکلات

دوران کودکی خود محدود است. نبود بخشش شیوهی زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تصمیمات ما با خاطرات دردناک ما تحت تأثیر قرار می‌گیرند. عیسی خداوند از ما می‌خواهد از گذشته خود رها شویم. او از ما می‌خواهد ببخشیم.

### سامسون

سامسون مثال ناخوشایند دیگری است. و "او (دلیله) گفت، فلسطینی‌ها دنبال تو هستند سامسون! پس او از خواب بیدار شد و گفت، همانند دفعات قبلی بیرون می‌روم و خودم را آزاد می‌کنم! اما او نمی‌داندست که خداوند او را ترک کرده است. پس فلسطینی‌ها او را بردند و چشمانش را از کاسه در آوردند و او را به غزه بردند. آن‌ها سامسون را با زنجیرهای مفرغی بسته و در زندان، وادار به آسیاب کردن گندم شد" (داوران ۱۶: ۲۰-۲۱).

چه پایان غم‌انگیزی برای بنده خدا است. می‌خواهیم چگونگی احساس او را تصور کنیم. یک مرد عضلانی قوی هیکل، مردی هدفمند، مردی پر از روح، اکنون کور و زنجیرشده، روزگار خود را با چرخیدن دور حلقه‌های آسیاب گندم می‌گذراند. او آزادی خود را از دست داده است. او بینایی خود را از دست داده است. او دیگر قادر به چشمک زدن به دختران زیبا نیست. همانگونه که او حلقه‌های آسیاب را در تاریکی می‌چرخاند، ناامیدی، عصبانیت و تلخی در او تشدید می‌شد. او به این فکر افتاد که چگونه می‌تواند انتقام گیرد.

آخرین دعای سامسون نگاه اجمالی به نحوه‌ی تفکر او به ما می‌دهد. "آنگاه سامسون نزد خداوند دعا کرده و گفت: آه ای خداوند تمنا می‌کنم مرا به یاد آور! استدعا می‌کنم فقط این یک بار به من قوت ببخش تا انتقام دو چشم خود را با ضربه‌ای از فلسطینیان بگیرم". (داوران ۱۶: ۲۸) او حاضر است در راستای رسیدن به هدف خود بمیرد. و هدف او چه بود؟ او به فکر آینده نیکوی قوم اسرائیل نیست. او در فکر افتخار و جلال بخشیدن به خداوند و یا تحقق ندای الهی او نیست. او در فکر انتقام است. "خدایا من عصبانی هستم چون در تاریکی راه می‌روم. آن‌ها هر دو چشم مرا از جا درآوردند. بسیار دردناک است. بسیار تحقیرآمیز است. ناامید کننده است. من نمی‌خواهم به چنین زندگی‌ای ادامه دهم." سامسون به عنوان مردی تلخ و در پی انتقام به خاطر از دست دادن چشم‌های خود درگذشت.

آیا مسیحیان نیز می‌توانند به عنوان زنان و مردان تلخ از این دنیا بروند؟ بله امکانپذیر است! متأسفانه این اتفاق می‌تواند رخ دهد! اما صرف‌نظر از دردی که دیگران به ما وارد می‌کنند، تلخی غیرقابل اجتناب است. این، یک خبر حیرت‌انگیز است. با بخشش از صمیم قلب، ما می‌توانیم زنجیرهای خشم و نارضایتی را بشکنیم. پس از آن می‌توانیم با تحقق ندای الهی در زندگی آزاد باشیم.

در نامه رومیان ۱۲: ۱۹ می‌خوانیم، "ای عزیزان، انتقام نگیرید بلکه آن را به غضب خدا واگذارید؛ زیرا نوشته شده است: خداوند می‌گوید، انتقام از آن من است. من هستم که سزا خواهم داد." وظیفه‌ی ما این نیست که به دنبال انتقام باشیم. ما این موضوعات را به خدا واگذار می‌کنیم.

ما می‌توانیم بدون انتقام‌جویی انگیزه عدالت را ترویج دهیم. ممکن است ما مجبور به گزارش تخلفی به پلیس شویم و این موضوع، مسئولیت ما باشد. اما برای انتقام گرفتن این کار را نمی‌کنیم. در مثال قربانی تجاوز، که قبلاً به آن توجه نمودیم، مسئولیت ارائه‌ی گزارش تجاوز به پلیس و همکاری با آنان در بررسی کامل این موضوع، بر عهده‌ی آن خانم جوان بود. اگر این دو مرد دستگیر می‌شدند و به زندان می‌رفتند، آن‌ها زمان کافی برای تغییر مسیرشان داشتند. مجازات آنان برای سایر خانم‌های آن منطقه، نوعی مراقبت به حساب آمده و عامل بازدارنده‌ی واضحی برای دیگر مردان خواهد بود. تمامی این‌ها با بخشش حقیقی و از صمیم قلب سازگار است. ممکن است ما با جریان عدالت همکاری نماییم اما انتقام گرفتن وظیفه‌ی ما نیست. ما این موضوعات را به خداوند واگذار می‌کنیم.

## افرادی که می‌بخشند

### یک خانم جوان یهودی

اکنون می‌خواهم توجه شما را به دو مثال زیبا جلب کنم. مثال اول در مورد یک دختر جوان اسرائیلی است که در خانه‌ی نعمان زندگی می‌کرد. "اکنون نعمان، فرماندهی لشکر پادشاه سوریه، در نظر سرورش مردی بزرگ و محترم بود زیرا خداوند به واسطه‌ی او پیروزی نصیب سوریه کرده بود. همچنین او مردی توانا اما جزامی بود. سوری‌ها حمله کرده و دختر جوانی را از سرزمین اسرائیل اسیر کرده بودند. او پیشخدمت همسر نعمان بود. او به بانوی خود گفت، اگر سرور من نزد نبی‌ای که در سامره است، بود، او را از جذام شفا می‌داد." (دوم پادشاهان ۵: ۱-۳)

برای چند لحظه خودتان را به جای این خانم جوان تصور کنید. وقتی که شایعه می‌شود گروهی از مردان مسلح از سمت سوریه نزدیک خواهند شد، ترس ناشی از آن را تصور کنید. فریاد و وحشت ناشی از حمله‌ی این مبارزان را تصور کنید که با خشونت تمامی دیوارهای دفاعی را نابود می‌کنند. والدین شما نیز در زمره مردگان هستند. بنابه دلایلی شما کشته نشده اما به اسارت گرفته شده‌اید. شما هرگز گریه‌ها، طلب رحمت، گرما و دود ناشی از خانه‌های سوخته شده را فراموش نخواهید کرد. بعد از سفری بسیار طولانی، شما به عنوان خدمتکار در خانه‌ی آدم‌ریا یعنی همان فردی که آن حمله‌ی ناعادلانه و شرورانه را به عهده داشته است، به اسارت گرفته می‌شوید. اکنون چه احساسی دارید؟ او همواره نعمان را ملاقات می‌کرد، حضور او، صدای او، خاطرات دردناک بسیاری را زنده می‌کرد. شاید او به روش‌های انتقام فکر کرده باشد. ممکن است ایده‌ی ریختن سم در غذای نعمان نیز از ذهن او گذشته باشد.

و این دختر جوان چه کاری انجام داد؟ او نعمان را بخشید! ما از کجا می‌دانیم؟ از رفتار او. زمانیکه بیماری جزام نعمان را شنید، با اشتیاق و هیجان بالا و پایین نپرید. او از خداوند به دلیل طعم شیرین انتقام تشکر نکرد. نه! او نگران نعمان شد. زمانیکه شما دیگران حتی افرادی که به شما آسیب رسانده‌اند را می‌بخشید، آزاد می‌شوید تا به دیگران برکت دهید. او بدون بخشش هرگز نمی‌توانست برکتی برای نعمان باشد. توجه داشته باشید که این دختر جوان به عنوان یک بچه ربوده نشده بود. سن او در حدی بود که به طور کامل به یاد بیاورد که در خانه‌ی یک پیامبر، مرد خدا زندگی کرده است. باید موارد بسیاری از گذشته در خاطر او باشد. عمل بخشش به زخم‌های عاطفی و احساسی او اجازه داده بود تا شروع به بهبود کنند. بعد از بخشش، او هنوز می‌توانست کاری که نعمان کرده بود، به یاد آورد اما بدون خشم و با درد و رنج کمتر. افرادی که دیگران را می‌بخشند توسط خدا برای برکت دادن دیگران استفاده می‌شوند و حتی گاهی برای کسانی که آسیب رسانده یا در حال حاضر نیز آسیب می‌رسانند.

### یوسف

"یوسف به برادران خود گفت: من یوسف هستم. آیا پدر من هنوز زنده است؟ اما برادران او نمی‌توانستند جواب او را بدهند زیرا آن‌ها در حضور او ناراحت و هراسان بودند. یوسف به برادران خود گفت نزدیک من بیایید. بنابراین برادران او نزدیک او آمدند. سپس او گفت: من یوسف، برادر شما هستم، کسی که شما او را به مصر فروختید. اما حالا، به دلیل اینکه مرا به مصر فروختید از خود ناراحت یا عصبانی نشوید؛ زیرا خداوند مرا برای حفظ جان‌ها فرستاده است. به علاوه او تمامی برادران خود را بوسید و بر ایشان گریست و پس از آن، برادرانش با او صحبت کردند" (پیدایش ۴۵: ۳-۵ و ۱۵)

عجب داستان تکان دهنده‌ای! آیا فکر می‌کنید اگر یوسف ابتدا برادران خود را در قلب خود نمی‌بخشید، می‌توانست آن‌ها را اینگونه داشته باشد؟ یوسف مجموعه‌ای از خاطرات دردناک داشت. خاطره‌ای که برادرانش او را گرفته و به گودالی انداختند. او با گریه از برادرانش طلب رحمت نمود اما برادرانش به او گوش نمی‌دادند. خاطره‌ای که برادرانش او را به عنوان برده به تاجران

فروختند. او به برادرانش التماس می کرد که او را به خانه برگردانند اما آن ها همانطور که مشغول تقسیم نمودن پول ها در میان خود بودند، می خندیدند. او احساس آسیب دیدگی، ترس و تنهایی داشت. خاطرات خوبی از دوران کودکی و با برادرانش نداشت. طی سال ها او زمان زیادی داشت تا در مورد این تجربه های دردناک بارها و بارها فکر کند.

اما داستانی که در کتاب پیدایش باب ۴۵ ارائه شد، به ما نشان می دهد که اتفاق مهمی در قلب یوسف رخ داده بود. آیا برادرانش توبه کردند؟ آیا آن ها به گناهان خود نزد پدرشان اعتراف نمودند؟ نه! یوسف آن ها را بدون هیچ مدرکی دال بر توبه شان بخشید. یوسف منتظر نماند که برادرانش بگویند یوسف متأسفیم ما با فروختن تو مرتکب گناه شدیم. لطفا ما را ببخش. البته، اگر آن ها چنین چیزی می گفتند، فوق العاده بود. در حقیقت آن ها باید به گناه وحشتناک خود اعتراف کرده و توبه می کردند. اما یوسف منتظر نماند. استدلال او چنین نبود که آسیبی که به او وارد شده بزرگتر از آن است که به راحتی بخشیده شود. او بخشید! و با بخشش، او تبدیل به فرد آزادی شد. و زمانیکه ما آزاد باشیم، خداوند می تواند از ما برای برکت دادن به دیگران استفاده کند.

### گام هایی به سمت آزادی

برادران و خواهران عزیز، آیا می خواهید آزاد باشید؟ آیا می خواهید خدا از شما برای برکت دادن به دیگران استفاده کند؟ پس باید ببخشید. زمانیکه من در رابطه با موضوع بخشش موعظه می کنم و یا به دیگران مشاوره می دهم، بارها از شنوندگان خود می خواهم که سه گام زیر را دنبال کنند. اکنون از شما نیز می خواهم این گام ها را دنبال نمایید.

۱. از پدر آسمانی خود بخواهید تا از طریق روح القدس در ذهن شما کار کند تا افرادی که به شما آسیب رسانده اند و لازم است تا آن ها را ببخشید، به خاطرتان بیاورد. نام آن ها را بنویسید.

۲. به نام یا نام هایی که در لیست خود نوشته اید، نگاه کنید و به طور آگاهانه تصمیم بگیرید که این افراد را ببخشید.

۳. برای تک تک افرادی که در لیست شما هستند، دعا کنید. آن ها را به حضور خداوند بیاورید و سپس در نام عیسی آن ها را ببخشید و آزاد کنید.

برای کمک در این پروسه، من دو نمونه دعا به شما پیشنهاد می کنم. هیچ چیز جادویی در مورد آن ها وجود ندارد. اگر می خواهید در دنیای روحانی اتفاقی رخ دهد، توصیه می کنم صادقانه از کلمات دعا استفاده کنید و از صمیم قلبتان از خداوند بخواهید. دعا های نمونه ابزار ساده ای هستند. اگر به نظرتان دشوار بود، از برادر یا خواهر مسیحی خود که به او اعتماد دارید بخواهید تا شما را در طول دعا و بخشش حمایت کنند.

### نمونه اول دعا:

خداوند و پدر عزیز، من از شما تشکر می کنم که با قلب من صحبت کردید، و توانستم مضامین موجود در این کتاب را در نظر بگیرم. از شما بابت بخشش کامل و شگفت انگیز سپاسگزارم. شکر می کنم که همه چیز را در مورد من می دانی، چیزهایی که هیچ کس دیگر از آن ها خبر ندارد. شکر می کنم که خون عیسی مسیح برای من نیز ریخته شد و مرا از تمامی گناهانم پاک کرد. شکر می کنم برای بخشش کامل چنین بدهی بزرگی. همچنین شکر می کنم که مرا نسبت به اهمیت بخشش کسانی که نسبت به من مرتکب گناه شدند، آگاه نمودی. عیسی مسیح شکر می کنم که به من نشان دادی که چگونه ببخشم. اکنون آماده هستم تا از شما اطاعت کنم و همه ی افرادی که به من آسیب زدند، ببخشم. لطفا آن ها و تمام کسانی که از من می خواهی آن ها را ببخشم، به ذهنم بیاور. آمین.



حال متوقف کنید و در حضور او منتظر بمانید و زمان دهید تا در شما کار کند.

اگر روح خدا یک یا دو نام به ذهن شما آورد، آن‌ها را روی یک برگ کاغذ بنویسید. اگر به اسمی شک داشتید، توصیه می‌کنم آن اسم را نیز یادداشت کنید. سعی نکنید کاری را که این افراد برای شما انجام داده‌اند، توجیه کنید. به سادگی تصدیق کنید که آن‌ها علیه شما و علیه خداوند گناه کرده‌اند. به دلیل اینکه شما مسیحی هستید، به دلیل اینکه می‌خواهید از خداوند و سرورتان فرمانبرداری کنید، می‌خواهید آن‌ها را ببخشید. این چنین نگوئید: من می‌خواهم او را ببخشم زیرا که این، نیت خوبی است بلکه بهتر است بگوئید من او را می‌بخشم این یک عملکرد واقعی است.

برای هر یک از افرادی که در فهرست خود دارید، به صورت انفرادی و ویژه دعا کنید. شما می‌توانید از کلماتی مشابه دعای نمونه‌ای که ارائه شد یا در ادامه ارائه خواهد شد، استفاده نمایید. توصیه می‌کنم با صدای بلند دعا کنید شاید شمرده شمرده اما قابل شنیدن باشد. این کار کمک می‌کند نوعی درگیری داخلی گشوده شود.

#### نمونه دوم دعا:

- خداوند و پدر من،
- امروز می‌خواهم ..... را ببخشم (اینجا می‌توانید اسم آن شخص را بیان کنید)، به خاطر آنچه او برای من انجام داده است. (در این قسمت می‌توانید با جزئیات به خداوند توضیح دهید که آن شخص چگونه موجب آسیب رساندن شما شده است)
- و ای پدر، این کار، باعث شده احساس کنم .... (اینجا سعی کنید به خداوند توضیح دهید که احساس شما نسبت به آن شخص، گناهی که مرتکب شده و حتی خودتان چیست)
- پدر اکنون می‌خواهم تمامی آن‌ها را رها کنم
- پدر، در نام عیسی خداوند من .... را می‌بخشم (اینجا نام فرد را بیان کنید)
- اکنون حق را که گاهی فکر می‌کردم در خصوص انتقام از افراد دارم را انکار می‌کنم
- لطفا احساسات آسیب‌دیده من را التیام ببخش
- پدر شکر می‌کنم که مرا از این بار سنگین رها کردی
- پدر آسمانی اکنون لطفاً به .... برکت بده (اینجا از نام شخص استفاده نمایید)
- در نام عیسی خداوند، آمین.

اگر روح‌القدس نام هیچ شخصی را که نیاز به بخشش او دارید، به خاطر شما نیاورد، آرام باشید. در برابر وسوسه‌ی درگیر شدن در خوداندیشی ناسالم مقاومت کنید. از زمان خود برای دعا کردن برای دوستان خود، برادران و خواهرانتان که در چالش هستند و بخشش برای آن‌ها امری مشکل است، دعا کنید. دعا کنید تا آن‌ها نیز قدرت یابند مطابق نمونه‌های ارائه شده دعا کنند و از دستور خداوند اطلاعات نموده و از صمیم قلبشان بتوانند ببخشند. دعا کنید تا خداوند فرایند التیام درونی در تمامی قلب‌ها را ادامه دهد.

بخش دوم

چه زمانی باید ببخشم؟

## چه زمانی باید ببخشیم؟

اغلب مسیحیان متقاعد شده‌اند که باید عیسی خداوند و آموزه‌های رسولان را دنبال کنند و افرادی را که به آن‌ها آسیب رسانده‌اند، ببخشند. اما آنچه به طور کامل آشکار نیست، این است که چه زمانی باید ببخشیم؟ از آنجایی که خداوند تنها کسانی را که توبه کرده‌اند، می‌بخشد، ما نیز باید فقط افرادی را که توبه می‌کنند، ببخشیم؟ اکثر مسیحیان اینچنین بیان می‌کنند که آن‌ها تمایل به بخشش دارند اما در واقع تا زمانی که فرد خاطی متوجه گناه خود نشده و توبه نکرده باشد و درخواست بخشش نکند، او را نمی‌بخشند. برخی نیز چنین ادعا می‌کنند که بخشش کسانی که هیچ شواهدی از توبه‌ی آن‌ها وجود ندارد، عادلانه نیست.

### انتخاب زمان مناسب برای بخشش

عمل بخشش از نظر عیسی خداوند بسیار مهم است. او هنگام آموختن نحوه‌ی دعا به شاگردان خود، بر لزوم بخشش و عواقب جدی عدم آموزش تأکید کرد. در متی ۶: ۱۴-۱۵ می‌خوانیم که "اگر شما افرادی که را که به شما بدی کرده‌اند ببخشید، پدر آسمانی شما نیز شما را خواهد بخشید. اما اگر شما کسانی را که به شما بدی کرده‌اند نبخشید، پدر شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید" و در مرقس ۱۱: ۲۵، "پس هر گاه دعا می‌کنید، اگر نسبت به کسی چیزی به دل دارید، او را ببخشید تا پدر شما نیز که در آسمان است، خطاهای شما را ببخشد." این دستورالعمل‌ها برای بخشش مشروط به توبه‌ی فرد خطاکار نیست. عیسی مسیح چنین فرموده است: "هر گاه دعا می‌کنید، اگر فردی که به شما بدی کرده است، نزد شما آمد و توبه و عذرخواهی کرد، او را ببخشید." آیا این یک استدلال معتبر است؟

برخی از محققین کتاب مقدس، توبه را در تعریف خود از بخشش لازم می‌دانند. آن‌ها در هر مفهومی از بخشش در جستجوی توبه یا حداقل بخشی از آن هستند و اگر هیچ نشانه‌ای از توبه وجود نداشته باشد، نتیجه می‌گیرند که قطعاً توبه به طور ضمنی وجود داشته اما بیان نشده است. آیا این یک رویکرد معتبر است؟ اگر فرد خاطی توبه نکند، چرا ما باید ببخشیم؟ آیا این بخشش، راه فرار روانی کم ارزش برای اجتناب از دشواری ارتباط رو در رو با فرد خاطی است؟

به عبارت دیگر، چه زمانی ما باید افرادی را که نسبت به ما گناه کرده‌اند، ببخشیم ... در ابتدا، زمانیکه ما متوجه گناه آن‌ها می‌شویم، زمانیکه برای اولین بار احساس درد، عصبانیت یا ناامیدی می‌کنیم، قبل از اینکه فرصتی برای جستجوی فرد خاطی داشته باشیم، قبل از اینکه او توبه کند؟ یا در پایان، پس از اینکه ما فرصت ارتباط با فرد خاطی را داشتیم، پس از اینکه او نسبت به گناه خودش آگاه شد، پس از اینکه او توبه کرد، یعنی پس از اینکه فرد خاطی خالصانه و متواضعانه می‌آید و از ما طلب بخشش برای خود می‌کند؟ آیا بخشش در ابتدا یا انتهای یک روند مصالحه صورت می‌گیرد؟

### مشکلات احتمالی

در این مرحله، باید به دو عارضه توجه نمود. موضوع اول و علمی: وقتی مسیحیان با یکدیگر در مورد بخشش صحبت می‌کنند، منظور آن‌ها غالباً متفاوت است. به عقیده برخی، بخشش، نوعی انتخاب برای نادیده گرفتن یا رد کردن یک گناه است. به عقیده سایر افراد، بخشش، معامله‌ای بین دو فرد یا چیزی شبیه مصالحه است. قبل از اینکه نگاهی به زمان بخشش بیندازیم، باید مشخص نماییم که چه تعریفی از بخشش مد نظر ماست.

موضوع دوم یک واقعیت عملی است: بخشش تنها در صورتی امکان‌پذیر می‌گردد که اشتباهی رخ داده باشد. در عمل، اغلب افراد خطاکار یا:

- آگاه نیستند که نسبت به کسی مرتکب گناه شده‌اند

- رفتار خود را به عنوان یک رفتار نادرست یا خطا در نظر نمی‌گیرند
- تصور می‌کنند کاری که انجام داده‌اند، خوب است
- ممکن است خودشان آسیب ببینند یا احساس ناراحتی کنند.

به علاوه، برخی افراد خطاکار مرده‌اند یا نمی‌توان آن‌ها را شناخت یا آن‌ها را پیدا کرد. واقعیت عملی این است که اگر تعریف ما از بخشش مستلزم توبه و اعتراف باشد، ما فقط بخش کوچکی از کسانی که علیه ما گناه می‌کنند را می‌بخشیم.

آقای تیم، عضوی از جمع مسیحی ما می‌باشد. او به ندرت یک جلسه از پرستش یکشنبه را از دست می‌داد. او با یک ویلچر برقی که مورد توجه کودکان بود، می‌آمد. به عنوان یک مرد جوان، بلافاصله پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه آکسفورد در رشته ریاضیات، در ارتش ثبت نام کرد تا در طول جنگ جهانی دوم از متفقین حمایت کند. او به گروه پاراشوت پیوست. یک یا دو سال بعد، به همراه بسیاری از سربازان استرالیایی دیگر در فرانسه سقوط کرد. او در حالی که در هوا شلیک شده بود، بی پناه از چتر نجات خود آویزان شد و از آن زمان به بعد از گردن به پایین فلج شده است. چه کسی به او شلیک کرد؟ او سال گذشته بدون اینکه بداند چه کسی به او شلیک کرده بود، در گذشت. نزدیک به ۶۰ سال، هیچ کس این خطا را نپذیرفت، هیچ کس توبه نکرد و هیچ کسی از او درخواست بخشش نکرد. تیم، آن سرباز گمنام آلمانی را بخشید. به همراه فرزندانم، ما او را در بیمارستان ملاقات نمودیم. او برخی از تصاویر و مدارک زمان جنگ خود را به ما نشان داد. ما به داستان او گوش دادیم. هیچ تلخی یا عصبانیتی در صدای او نبود. او از درون التیام یافته بود. او برادری شاد در ویلچر برقی‌اش بود.

زمان بخشش، یک بحث انتزاعی ثانوی نیست بلکه موضوعی ضروری است و نحوه‌ی زندگی و مردن ما را تعیین می‌کند.

### یک کلمه می‌تواند معانی متفاوتی داشته باشد

اکثر زبان‌ها کلماتی دارند که معانی گوناگونی دارند. این موضوع می‌تواند برای فردی که شروع به یادگیری زبان کرده است، گیج‌کننده باشد اما با گذشت زمان، او متوجه خواهد شد که معنای یک کلمه معمولاً از متن کاملاً مشهود است. به عنوان مثال در زبان هلندی واژه‌ی "kwast" می‌تواند به معنای فرد شوخ، قلم موی رنگ‌آمیزی، شربت لیمو، گره در یک تکه چوب باشد. از آنجایی که این معانی بسیار متفاوت هستند، تشخیص اینکه کدام معنی در ذهن فرد سخنران می‌باشد، بسیار راحت است. به عنوان مثال، اگر بگوییم که "جورج kwast می‌نوشد" هیچ کس تصور نمی‌کند که او فرد شوخی است یا قلم موی نقاشی در دهانش دارد!

زمانیکه یک کلمه معانی متفاوتی دارد و این معانی به یکدیگر ارتباط دارند، یا شبیه یکدیگر هستند و یا ایده‌های موازی بیان می‌کنند، دقت بیشتری لازم است. به عنوان مثال، کتاب مقدس از کلمه "نجات یا رستگاری" به روش‌های مختلف اما به صورت متفاوت استفاده می‌کند. متوجه می‌شوید که گاهی اوقات این واژه به عنوان چیزی که برای ما اتفاق افتاده است، ارائه می‌گردد (تیطوس ۳: ۵)، گاهی اوقات به برخی رویدادهای آینده ارجاع داده می‌شود (رومیان ۵: ۹)، گاهی اوقات به عنوان هدیه‌ای از جانب خداوند بیان شده است (افسیسیان ۲: ۸-۹) و گاهی اوقات به عنوان چیزی که باید به دست آورد (اول تیموتائوس ۲: ۱۵). همچنین در (فیلیپیان ۲: ۱۲) ما به تلاش برای نجاتمان ترغیب شده‌ایم. با کمک متن می‌توان تشخیص داد که نجات به چه چیزی ارجاع می‌شود، به شفای بیماران، آزادی از محکومیت، یک زندگی خوب، زندگی در آسمان، رهایی از دشمنان یا چیز دیگری. در این مورد، معانی متفاوت واژه‌ی نجات یا رستگاری به طور کاملاً مشخصی از یکدیگر متمایز بوده و در عین حال شبیه به یکدیگر هستند. همگی اشاره به آزادی از چیزی دارند، آن‌ها به محدوده معانی مشابهی متعلق هستند و از یک خانواده‌ی معنایی می‌باشند.

حال می‌خواهیم واژه‌ی "بخشش" را نیز که معانی متفاوت اما در عین حال مرتبطی دارد و همچنین یک خانواده‌ی معنایی دارد را بررسی کنیم.

### استفاده کتاب مقدس از واژه‌ی "بخشش"

برخی از محققین پیشنهاد می‌دهند که تعریف کتاب مقدس از بخشش چیزی شبیه این ارائه شده است: "بخشش، ترمیم کامل فرد خاطی توبه کرده است." به طور آشکار، آن چیزی است که خداوند تمایل دارد با هر گناهکاری انجام دهد اما این تعریف دقیق از بخشش دامنه‌ای از معانی واژه‌های یونانی که کتاب مقدس برای بخشش بکار می‌گیرد را منعکس نمی‌کند. این تعریف با برخی متون سازگاری کامل دارد اما با برخی متون دیگر به طور کامل سازگار نیست.

کتاب مقدس در مواجهه با معنای بخشیدن و بخشش از چهار واژه‌ی یونانی مختلف استفاده می‌کند: سه فعل و یک اسم. اما هر یک از این چهار کلمه برای توصیف موقعیت یا فعالیت‌هایی که شباهت زیادی با بخشش دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرند اما به طور مستقیم با گناه یا خطا در ارتباط نیستند.

در نمونه‌هایی که ارائه می‌دهیم، سعی کنید "خانواده‌ی معنایی" مرتبط با مفهوم بخشش در کتاب مقدس را درک نمایید.

#### ۱. بخشیدن (aphiemi)

این واژه در کتاب متی ۶: ۱۴-۱۵ توسط عیسی خداوند به عنوان بخشش استفاده شده است. "اگر شما افرادی که به شما بدی کرده‌اند را ببخشید، پدر آسمانی شما نیز شما را خواهید بخشید. اما اگر شما کسانی را که به شما بدی کرده‌اند را نبخشید، پدر شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید" همچنین این واژه برای "دادن پول"<sup>۲</sup>، "صرفنظر کردن از یک بدهی"<sup>۳</sup> و "لغو بدهی"<sup>۴</sup> استفاده می‌شود. در مثال دو بدهکار، "ارباب آن خدمتکار احساس همدردی نمود و بدهی او را بخشید" (متی ۱۸: ۲۷).

از چهار واژه‌ی یونانی، این یکی از پرکاربردترین‌ها است. این واژه همچنین معنای "رها کردن یا واگذار نمودن"<sup>۵</sup> را به همراه دارد. در موعظه‌ی سر کوه، عیسی آموخت که "اگر کسی خواست تو را به محکمه کشانده و قبایت را از تو بگیرد، عبایت را نیز به او واگذار" (متی ۵: ۴۰) زمانیکه یک درخت انجیر سه سال متوالی میوه‌ای نیاورد، صاحب آن دستور می‌دهد آن را ببرند. اما باغبان برای درخت شفاعت می‌کند و می‌گوید "بگذارید یک سال دیگر هم بماند تا از آن به خوبی مواظبت کنم و کود زیاد به آن دهم" (لوقا ۱۳: ۸). بعد از اینکه مریم عطر گرانبه‌ای را بر عیسی ریخت و شاگردان شروع به اعتراض نمودند، عیسی از او دفاع کرد و گفت، "کاری با او نداشته باشید" (یوحنا ۱۲: ۷). اما جالب است این همان فعلی است که عیسی خداوند در زمان به صلیب کشیده شدن هم از آن استفاده کرد، "پدر این‌ها را ببخش زیرا آن‌ها نمی‌دانند چه می‌کنند" (لوقا ۲۳: ۳۴).

#### ۲. بخشیدن (apoluo)

بسیاری از ترجمه‌های کتاب مقدس از واژه‌ی "بخشیدن"<sup>۶</sup> در لوقا ۶: ۳۷ استفاده می‌کنند. "ببخشید و شما نیز بخشیده خواهید شد."

<sup>2</sup> remit

<sup>3</sup> Give up a debt

<sup>4</sup> Cancel a debt

<sup>5</sup> Letting or letting go

<sup>6</sup> forgive

این واژه‌ی یکسان در مثال دو بدهکار، به عنوان "آزاد کردن"<sup>۷</sup> یا "رها کردن"<sup>۸</sup> ترجمه شده است. "ارباب آن خدمتکار احساس همدردی نمود، او را آزاد کرد و بدهی او را بخشید" (متی ۱۸: ۲۷) و "آزاد کردن"<sup>۹</sup> وقتی پیلاتوس، بارلباس را آزاد کرد<sup>۱۰</sup> (متی ۲۷: ۲۶)

### ۳. آمرزش (aphesis) (اسم متناظر با aphiemi)

خداوندان عیسی مسیح از این واژه در مرقس ۳: ۲۹ استفاده کرد، زمانی که گفت: "اما هر که به روح القدس کفر گوید، هرگز آمرزیده نخواهد شد" و پولس رسول این را در سخنان خود به مردم یهودی در شهر انطاکیه استفاده کرد، "بنابراین ای برادران بدانید، آمرزش گناهایی که به واسطه‌ی همین شخص (عیسی) فراهم شده است، به شما اعلام می‌شود." این واژه معانی "رهایی"، "عزل"، "رهایی و رستگاری"، "آزادی"، "اجازه" را در بر دارد. خداوندان عیسی مسیح زمانی که گفت "روح خداوند بر من است، زیرا مرا مسح کرده تا بینوایان را بشارت دهم و مرا فرستاده است ... تا به ستمدیدگان رهایی بخشم" (لوقا ۴: ۱۸) از همان واژه استفاده کرد.

### ۴. بخشیدن (charizomai)

این کلمه ترجمه شده‌ی "بخشش" در افسسیان ۴: ۳۲ است، "یکدیگر را ببخشید همانگونه که خدا در مسیح شما را بخشیده است" و در کولسیان ۳: ۱۳ "رفتار یکدیگر را تحمل کنید و یکدیگر را ببخشید حتی اگر شکایتی از یکدیگر دارید، از آنجایی که مسیح نیز شما را بخشیده است پس شما نیز باید دیگران را ببخشید." این واژه با کلمه یونانی charis به معنای رحمت و فیض در ارتباط است. کاربرد آن برای نشان دادن این است که چیزی "اعطا شده" یا "به رایگان به کسی داده شده" است. این واژه‌ای است که در لوقا ۷: ۲۱ استفاده شده است، "و به نابینایان بسیاری بینایی عطا کرد" و در فیلیپیان ۲: ۹ "بنابراین خدا او را (عیسی) بی نهایت سرافراز کرد و نامی به او بخشید که از هر نام دیگری بالاتر است."

خانواده‌ی معنایی بخشش در کتاب مقدس غنی و متنوع است. اگر بخواهیم کلمات عبری مرتبط با بخشش را مورد مطالعه قرار دهیم، کمی گسترده‌تر خواهد شد. گاهی اوقات بخشش به دلیل توبه، اعتراف به خطا، پذیرش نیاز یا درخواست فرد خاطی برای آمرزیده شدن صورت می‌گیرد. اما همیشه اینطور نیست. برای بیان اینکه یکی از این‌ها همواره دلالت دارد، تفسیر طبیعی برخی از متون کتاب مقدس ضروری خواهد شد (لوقا ۲۳: ۳۴ و اعمال رسولان ۷: ۶۰). گاهی اوقات فرد قربانی به طور کامل و بدون رخداد هیچ یک از موارد فوق فرد خاطی را می‌بخشد. همانطور که این مطالعه را ادامه می‌دهید، به یاد داشته باشید که واژه‌ی "بخشش" یک "خانواده‌ی معنایی" غنی دارد.

### انواع مختلف بخشش

ما خانواده‌ی معنایی مرتبط با "بخشش" و "بخشیدن" را در کتاب مقدس بررسی کرده‌ایم. رویکرد دیگر برای بهبود درک ما از بخشش این است که نگاهی بیاندازیم به زمانی که بخشش صورت می‌گیرد.

محققین کتاب مقدس از چندین تناقض آشکار آگاه شدند. به عنوان نمونه در تبدیل، تمامی گناهان ما بخشیده شده است و هنوز یحیی خوانندگان مسیحی خود را وادار نموده است تا به گناهان خود اعتراف نمایند تا بخشیده شوند (اول یوحنا ۱: ۹). آیا خداوند همان گناه را دوبار خواهد بخشید؟ اولین بخشش کافی نبوده است؟ آیا کامل نبوده است؟ برخی از مسیحیان آنقدر

<sup>7</sup> released

<sup>8</sup> Let go

<sup>9</sup> release

<sup>10</sup> released

صدمه دیده و تلخ هستند که تصمیم گرفته اند حتی اگر فرد خطاکار توبه کند، او را نبخشند. عیسی یاد داده است که اگر آن‌ها نبخشند، مورد بخشش پدر نیز قرار نخواهند گرفت (متی ۶: ۱۵). اما آیا پدر، تمامی گناهان همه‌ی مسیحیان را در هنگام تبدیل نبخشیده است؟ آیا خداوند تهدید می‌کند که آنچه را قبلاً آمرزیده است، نمی‌بخشد؟ اکثر محققین کتاب مقدس نتیجه می‌گیرند که دو نوع بخشش وجود دارد. نوع اول آن، آن چیزی است که با نجات یا رستگاری اتفاق می‌افتد و دیگری با رفاقت با پدر اتفاق می‌افتد.

اما خداوند تنها کسی نیست که می‌بخشد. اگر به افراد یا گروه‌های مختلف که می‌بخشند و اینکه بعد از بخشش آن‌ها چه اتفاقی رخ می‌دهد، نگاهی بیاندازیم، متوجه می‌شویم که انواع یا گونه‌های مختلف یا جنبه‌های متفاوتی از بخشش وجود دارد و یا فعالیت‌های متفاوتی با همان واژه‌ی "بخشش" توصیف شده است. من هفت نوع مختلف از بخشش را به شما ارائه می‌دهم:

۱. بخشش قانونی
۲. بخشش پدرانه
۳. بخشش کلیسا
۴. بخشش دولتی
۵. بخشش قلبی
۶. بخشش رابطه‌ای
۷. بخشش خود

قبل از شروع، توجه داشته باشید هر یک از این هفت نوع یا جنبه‌ی بخشش، همان بخشش حقیقی را شامل می‌شوند. آن‌ها استانداردهای متفاوتی از بخشش را ارائه نمی‌دهند. هر یک از انواع مختلف بخشش، عملکرد و مفهوم خاص خود را دارد. این طبقه‌بندی، "بازی کلمات" علمی نیست، و به دنبال ارائه‌ی یک "فرمول حس خوب" یا یک کاتالوگ "رویه‌های اداری" نیست. در هر یک از هفت نوع بخشش، چیزی واقعی اتفاق می‌افتد. چیزی آزاد شده است. چیزی بسته شده و چیز جدیدی باز می‌شود. ابتدا می‌خواهیم به بخششی که خداوند ارائه می‌دهد، نگاهی بیاندازیم و سپس به بخشش انسانی بپردازیم.

### (۱) بخشش قانونی

زمانیکه خداوند می‌بخشد، همزمان فیض می‌دهد و عدالت را برقرار می‌کند. فیض و عدالت موضوعات کوچکی نیستند. خداوند نمی‌تولند به تنهایی بر فیض کار کند، او نمی‌تولند به سادگی بگوید، "ای گناهکار من تو را دوست دارم بنابراین من تو را می‌بخشم" شناخته شده‌ترین متن در یوحنا ۳: ۱۶ بهای بالایی را که برای بخشش ما باید پرداخت می‌شد، برجسته می‌کند: "خداوند بقدری مردم جهان را دوست داشت که یگانه پسر خود را داد..." فقط مرگ عیسی مسیح، عدالت را برقرار کرد و بر اساس این عدالت برقرار شده، اکنون خداوند می‌تواند بخشش خود را به هر گناهکار توبه‌کار ارائه نماید. ما بخشیده شده و عادل شمرده می‌شویم.

زمانیکه ما تشخیص دهیم که گناهکار هستیم و برای نجاتمان توبه کنیم و به خداوندمان عیسی مسیح اعتماد کنیم، خداوند ما را بخشیده شده اعلام می‌کند. "در او (عیسی) ما به واسطه‌ی خون او رهایی یافته‌ایم که این همان، بخشش گناهان است با توجه به غنای فیض او (افسسیان ۱: ۷). خداوند می‌تواند ما را ببخشد زیرا عدالت برقرار شده است. بخشش خداوند این اطمینان را بوجود می‌آورد که تمامی گناهان ما بخشیده شده و ما هرگز محکوم نخواهیم شد. "و شما، زمانیکه در گناهان خود مرده بودید .... او (خدا) شما را با مسیح زنده کرد، او همه‌ی گناهان شما را آمرزید" (کولسیان ۲: ۱۳). "پس اکنون برای آنانی

که در عیسی مسیح هستند، دیگر هیچ محکومیتی نیست" (رومان ۸: ۱). این بخشش قانونی، یک تبرئه‌ی دائمی و کامل از گناه و جریمه برای گناه است.

اما چیزهای بیشتری وجود دارد، بخشش خداوند این اطمینان را ایجاد می‌کند که ما با او آشتی کرده و با او در آرامش هستیم. "پس چون از راه ایمان، عادل شمرده شده‌ایم، به واسطه‌ی خداوندان عیسی مسیح از صلح با خدا برخورداریم" (رومان ۵: ۱). رابطه‌ی جدیدی ایجاد شده است. اکنون می‌توانیم از ارتباط با پدر و خداوندان لذت ببریم.

### چگونه بخشش قانونی خداوند را دریافت کنیم؟

برای بهره‌مند شدن یک گناهکار از مرگ مسیح در کالواری یا همان جلجتا، توبه لازم است. خداوند، عیسی مسیح به شاگردان خود توضیح داد که "توبه و بخشش گناهان باید به نام او برای تمامی قوم‌ها موعظه شود که از اورشلیم شروع می‌شود" (لوقا ۲۴: ۴۷). چند روز بعد، پطرس در اورشلیم ایستاد و جمعیت را ترغیب کرد: "پس توبه کنید و به سوی خداوند بازگردید، تا گناهانتان پاک شود و ایام تجدید قوا از حضور خداوند برایتان فرا رسد" (اعمال رسولان ۳: ۱۹). به وضوح در کتاب مقدس بیان شده است که گناهکاران تنها در صورت توبه از بخشش خداوند بهره‌مند می‌شوند.

هنگام تبدیل، خداوند تمامی گناهان ما را می‌بخشد. ممکن است ما در آن مقطع زمانی، تعدادی از گناهانی را که بر روح ما سنگینی می‌کنند، به او اعتراف کنیم اما شناخت و اعتراف گناهان فردی لازمه‌ی بخشش قانونی نیست. ما از بسیاری از گناهانی که مرتکب می‌شویم، آگاه نیستیم. بسیاری دیگر را فراموش می‌کنیم. اعتراف دقیق تمامی گناهان ما عملاً امکان‌پذیر نیست. خوشبختانه، خداوند اعتراف دقیق تمامی گناهانمان را لازم نمی‌داند. خدا بخشش قانونی خود را برای کسانی که با قلب صمیمانه و توبه کننده به او روی آورده‌اند، عطا می‌کند.

جاده‌ی تبدیل ساده است. ما نسبت به خداوند بدی کرده‌ایم. روح‌القدس در ما کار می‌کند و ما را نسبت به اعمال و رفتارهای گناهکارمان آگاه می‌سازد (یوحنا ۱۶: ۸). این آگاهی به ما آسیب می‌رساند. ما دچار اندوه می‌شویم. "چون اندوهی که برای خدا باشد، موجب توبه می‌شود و به نجات می‌انجامد" (دوم قرنطیان ۷: ۱۰). ما برای نجات روح خود با قلب توبه‌کار به سوی خداوند بر می‌گردیم. خداوند مجازاتی را که مسیح در کالواری دریافت کرد، به خاطر آورده و ما را به طور کامل و برای همیشه بخشیده شده اعلام کرده است. این، همان بخشش قانونی است. هیچ میانبری وجود ندارد. خداوند هیچ راه جایگزینی برای بخشش قانونی جز فداکاری مسیح و توبه ما ندارد. به همین دلیل است که خداوند "به همه‌ی انسان‌ها دستور می‌دهد تا توبه کنند" و "نسبت به ما بردبار است، نمی‌خواهد کسی هلاک شود بلکه می‌خواهد همه‌ی افراد به توبه روی آورند" (اعمال رسولان ۱۷: ۳۰، دوم پطرس ۳: ۹). اما زمانیکه یک مسیحی آمرزیده شده گناه کند، چه اتفاقی می‌افتد؟

### (۲) بخشش پدران

یوحنا رسول، به عنوان یک مرد پیر چنین نوشته است: "فرزندان کوچک من، این چیزها را برایتان می‌نویسم تا گناه نکنید و اگر کسی گناه کرد، شفیع نزد پدر داریم یعنی عیسی مسیح پارسا. او خود، کفاره‌ی گناهان ما است و نه فقط گناهان ما بلکه همچنین برای کل دنیا" (اول یوحنا ۲: ۱-۲) طی سال‌ها یوحنا قطعا گناه بسیاری از مسیحیان را به گونه‌های مختلف دیده است. ما به عنوان ایمانداران دوباره متولد شده، نمی‌خواهیم گناه کنیم. هدف ما گناه نکردن است. وقتی تسلیم وسوسه و گناه می‌شویم، اشتیاق و توازن رابطه‌ی ما با خداوند شکسته است. داود پادشاه تجربه‌ی خود را اینگونه توصیف می‌نماید: "هنگامی که سکوت کرده بودم، استخوان‌هایم از ناله‌ای که در تمام روز می‌کردم، پوشید. دست تو روز و شب بر من سنگینی می‌کرد؛ سرزندگی من به خشکسالی تابستان تبدیل شد. من به گناهم نزد تو اعتراف کردم و شرارتم را پنهان نکردم. من گفتم، من به گناه و عصیان خود نزد خداوند اعتراف خواهم کرد و تو شرارت گناهم را می‌بخشی" (مزامیر ۳۲: ۳-۵).



از آنجایی که خداوند تمامی گناهان ما را در زمان تبدیل و ایماندار شدن بخشیده است، آیا او باید دوباره همان گناه را ببخشد؟ بخششی که ما در تبدیل دریافت کرده‌ایم، بخشش قانونی است و ما را برای همیشه پارسا می‌سازد؛ و زندگی جاودانی ما را تضمین می‌کند. زمانیکه به عنوان یک فرزند گناه می‌کنیم و پدر آسمانی خود را می‌رنجانیم، ما نیازمند "بخشش پدرانه" هستیم. پایه و اساس این نوع بخشش نیز مرگ عیسی است. یوحنا رسول این را به "فرزندان عزیز خود" توضیح داد زمانیکه او گفت، "اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او در بخشش گناهان ما وفادار و عادل است، و ما را از هر ناراستی پاک می‌سازد" (اول یوحنا ۱: ۹). خداوند به دلیل اینکه "خوب و محبت است" نمی‌بخشد بلکه به دلیل اینکه او "وفادار و عادل است"، می‌بخشد یعنی وفادار به وعده‌های خود و عادل در اجرای کفاره‌ی مرگ عیسی.

زمانیکه عیسی خداوند پاهای شاگردان خود را شست، او از این موقعیت استفاده نمود تا درس مهمی در زمینه فروتنی و خدمتگزاری به پطرس بدهد. اما خداوند همچنین به تفاوت میان بخشش قانونی و بخشش پدرانه اشاره نمود. او چنین توضیح داد، "کسی که استحمام کرده است فقط لازم است پاهایش شسته شوند اما کاملاً پاکیزه است و شما پاک هستید اما نه همه" (یوحنا ۱۳: ۱۰). این بخشش پدرانه است که خداوند آن را از مسیحیانی که خطاهای دیگران را نمی‌بخشند، دریغ می‌دارد (متی ۶: ۱۵).

### بخشش خداوند سرمشقی برای بخشش ما

این واقعیت که گاهی اوقات واژه‌ی یونانی که برای بخشش خداوند مورد استفاده قرار می‌گیرد با بخشش انسانی یکسان است، دلالت بر این دارد که تشابهاتی میان این دو بخشش وجود دارد. زمانیکه خداوند می‌بخشد، سرنوشت ابدی فرد آمرزیده شده تغییر می‌یابد. بدیهی است که این امر زمانیکه ما می‌بخشیم، رخ نمی‌دهد. بنابراین تفاوت‌هایی وجود دارد. متن‌های معروف زیر به تفاوت میان بخشش خداوند و بخشش ما اشاره می‌کند.

۱. کولسیان ۳: ۱۳ "نسبت به یکدیگر بردبار باشید و اگر کسی نسبت به دیگری کدورتی داشته باشد، او را ببخشد و چنانکه مسیح شما را بخشیده است، شما نیز باید همین کار را انجام دهید."
۲. افسسیان ۴: ۳۰-۳۲ "روح‌القدس را غمگین مسازید ... هرگونه تلخی، خشم، عصبانیت، فریاد، سخنان بد و هر گونه بداندیشی را از خود دور کنید. و با یکدیگر مهربان و دلسوز باشید، یکدیگر را ببخشید همانگونه که خدا شما را در مسیح بخشیده است."

نکته‌ی مقایسه بین دو واژه‌ی "چنانکه" و "همانگونه" در متون فوق چیست؟ لزوماً دلالت بر این امر ندارد که روش بخشش خداوند با روش بخشش ما یکسان است. بخشیدن "چنانکه مسیح شما را بخشید" از یک طرف برای ما یک مشوق، یک دلیل یا یک انگیزه است تا دیگران را ببخشیم. این درس همچنین در تمثیل دو بدهکار تدریس شد (متی ۱۸: ۲۳-۳۵).

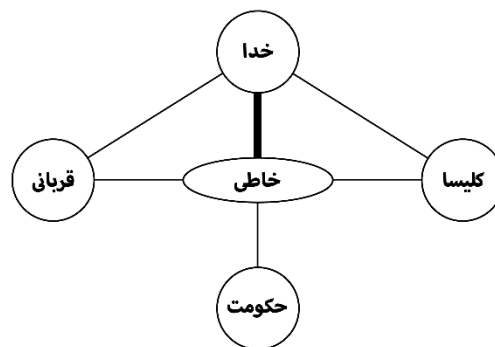
از طرف دیگر بخشیدن در "چنانکه مسیح شما را بخشید" اشاره بر این دارد که ما در مورد روشی که خداوند می‌بخشد، چیزی برای یادگیری داریم. واژه‌ی یونانی بخشش در هر دوی این متون charizomai می‌باشد. واژه‌ای برای بخشش که با واژه‌ی "فیض (charis)" نیز مرتبط است. این انتخاب کلمه نشان می‌دهد که "چنانکه" در مقام مقایسه، بیشتر به فیض اشاره دارد تا یک معامله قانونی. این متون نمی‌توانند برای اثبات اینکه همه‌ی بخشش‌ها باید مشروط به توبه‌ی فرد خاطی باشد، مورد استفاده قرار گیرند. تقریباً یاد گرفتیم که شباهت غنی از فیض وجود دارد: خداوند آزادانه و سخاوتمندانه می‌بخشد بنابراین ما نیز باید همین کار را انجام دهیم. خداوند تمامی گناهان ما را می‌بخشد پس ما نیز باید همینکار را انجام دهیم. خداوند می‌بخشد و دیگر خطای فرد را مرور نمی‌کند و ما نیز نباید اینکار را کنیم.

خداوند "داور عادل" است (دوم تیموتائوس ۴: ۸). او "کسی است که ... قانون گذار و داور است" (یعقوب ۴: ۱۲). عدالت و اجرای آن بسیار مهم هستند. خداوند برخی از جنبه‌های اختیارات خود را به والدین در خانه، ارشدان کلیسا، حاکمان و مقامات حاکم در جامعه تفویض نموده است. شما و من ممکن است یک فرد خاطی را ببخشیم اما ممکن است این فرد خاطی نیاز به قضاوت یک مقام صالح دیگر داشته باشد. پس از ارضای مقام انسانی، فرد خاطی هنوز باید حساب خطای خود را به خداوند پس بدهد. فرد خاطی، قربانی و مقام انسانی همگی حساب مشارکت و واکنش خود را نسبت به تخلف صورت گرفته پس خواهند داد. در حقیقت، "هیچ موجودی از نظر خداوند پنهان نیست بلکه همه چیز در مقابل چشمان او که باید به او حساب پس بدهیم، عریان و آشکار است" (عبرانیان ۴: ۱۳). اگرچه بخشش خداوند منحصر به فرد است، اما بخشش انسانی نیز واقعی و معتبر می‌باشد.

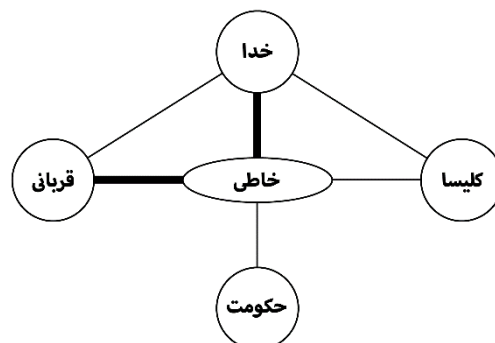
پیش از آنکه انواع مختلف بخشش را که به وسیله‌ی عوامل انسانی اعطا شده است، کاوش نماییم، شاید ارائه‌ی نمودار برای برخی افراد سودمند باشد تا مشاهده کنند وقتی کسی مرتکب گناه می‌شود، روابط مختلف چگونه تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

### روابط مختلفی که باید احیا شوند

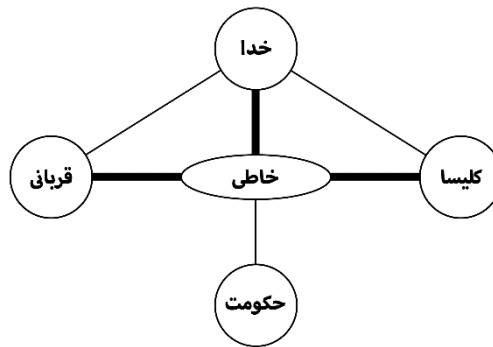
خطوط در شکل‌های ذیل روابط عادی را نشان می‌دهند. در موضوع خطا، یک خطاکار مسیحی چهار رابطه‌ی اساسی دارد. بسته به نوع خطا، یک یا بیشتر این روابط تخریب می‌شوند. خطوط پر رنگ نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی تخریب شده است.



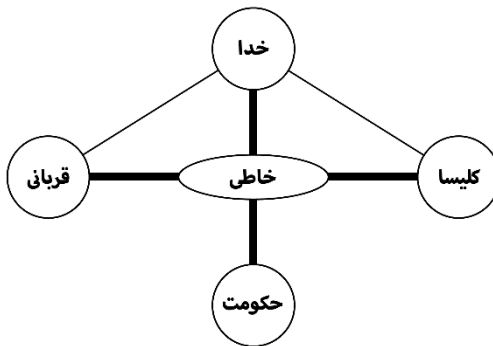
شکل ۱: گاهی اوقات ما فقط نسبت به خداوند مرتکب گناه می‌شویم. این شامل گناههایی است که در زندگی خیالی ما می‌شود (اعمال رسولان ۸: ۲۲). برای احیای این رابطه‌ی شکسته شده با خداوند ما باید به گناه خود اعتراف کنیم و بخشش او را دریافت نماییم.



شکل ۲: معمولاً ما نسبت به دیگران مرتکب گناه می‌شویم. در این مورد، دو رابطه از روابط فرد خاطی از بین رفته است که یکی رابطه با خداوند است و دیگری رابطه با فرد قربانی است (لوقا ۱۵: ۲۱).



شکل ۳: برخی از گناهان ما بر تصدیق عمومی کلیسا نیز تأثیر می‌گذارند. در این مورد، نه تنها رابطه با خداوند و فرد قربانی تخریب شده است بلکه رابطه با کلیسا نیز دچار مشکل می‌شود (متی ۱۸: ۱۷).



شکل ۴: حکومت، قوانینی در مورد رفتار مردم با یکدیگر دارد، همچنین اقداماتی که ممکن است قربانی مستقیم نداشته باشد از قبیل پرداخت مالیات. برخی از گناهان رابطه‌ی میان مسیحیان و دولت را تخریب می‌کند. حتی زمانی که فرد خاطی توسط دیگران بخشیده شد، ممکن است مجبور گردد جریمه‌ای پرداخت نماید یا به زندان برود (رومیان ۱۳: ۴).

### (۳) بخشش کلیسا

زمانیکه عیسی خداوند روی زمین بود، گاهی اوقات گناهان را به طور علنی می‌بخشید. به عنوان نمونه، "آنان مردی افلیج که بر روی تشک خوابیده بود، نزد او آوردند. وقتی عیسی ایمان آن‌ها را دید، او به فرد افلیج گفت، فرزند، دلت را قوی دار؛ گناهانت آمرزیده شد" (متی ۹: ۲). امروز، کلیسا، به عنوان بدن مسیح، نماینده او بر روی زمین است. گاهی اوقات اعلام بخشش به فرد توبه‌کار، وظیفه‌ی کلیسا است. منظور از این بخش این نیست که کلیسا جایگزین نیاز به بخشش خداوند می‌شود بلکه بر اساس آن عمل می‌کند. برخی افراد، این نوع بخشش را بخشش کلیسایی می‌نامند.

در موقعیت‌های خاص، به کلیسا وظیفه‌ی تصدیق عمومی بخشش خداوند داده شده است. در زمینه خطا و بخشش، عیسی خداوند به ما چنین آموخته است: "اگر او نخواست به آنان گوش بدهد، به کلیسا بگو. اما اگر او حتی به کلیسا نیز گوش نداد، او را اجنبی یا خراجگیر تلقی کن. آمین به شما می‌گویم، هر آنچه بر زمین ببندید، در آسمان بسته خواهد شد، و هر آنچه بر زمین بکشاید، در آسمان گشوده خواهد شد" (متی ۱۸: ۱۷-۱۸). به همین ترتیب او به شاگردان خود که گرد هم آمده بودند، گفت: "روح القدس را دریافت کنید. اگر گناهان کسی را ببخشید، بر آن‌ها بخشیده خواهد شد؛ اگر گناهان کسی را نابخشوده بگذارید، نابخشوده خواهد ماند" (یوحنا ۲۰: ۲۲-۲۳).

ما مثال دیگری از بخشش کلیسا را می‌بینیم زمانیکه پولس رسول از اجتماع مسیحیان در قرن‌تس خواست تا ایماندار توبه‌کننده را ببخشند: "مجازات‌هایی که توسط اکثریت شما برای چنین فردی اعمال شده، کافی است. اکنون دیگر باید او را ببخشید و دلداری دهید، مبادا چنین فردی با غم و اندوه بیش از حد از پای در آید. بنابراین از شما می‌خواهم او را از محبت خود مطمئن سازید" (دوم قرنطیان ۲: ۶-۸).

#### (۴) بخشش حکومتی

بعد از سیل، خداوند عهدی با نوح بست (پیدایش ۹). در بخشی از این عهد، خداوند گفت: "هر که خون انسان را بریزد، خونش به دست انسان ریخته شود" (۹: ۶). از نظر بسیاری از افراد اینجا آغاز حکومت انسانی است، از آنجا که خداوند مجازات بی‌عدالتی را به بشر واگذار کرده است، از جمله استفاده از شدیدترین شکل مجازات یعنی اعدام. عهد جدید نیز حکومت بشری را به عنوان ابزار خداوند برای حفظ عدالت و مجازات بدکاران معرفی می‌نماید. "هر کس باید تسلیم مراجع حاکم باشد. ... حکومت‌های موجود توسط خداوند منصوب شده‌اند. ... حکومت ... خدمتگزار خداوند برای شماس است تا به شما خوبی کند. ... اما اگر کارهای نادرست انجام دهی، هراسان باش؛ زیرا او شمشیر را بیهوده حمل نمی‌کند؛ زیرا او خدمتگزار خداوند است، انتقام‌جویی است تا بر کسانی که کارهای نادرست انجام می‌دهند، خشم نماید" (رومیان ۱۳: ۱-۴).

وظیفه‌ی اصلی حکومت اجرای عدالت است اما همچنین ممکن است به دلایل انسان دوستانه یا دلایل دیگر تصمیم به اعطای عفو و بخشش گیرد. پونتیتوس پیلاتوس زمانیکه به عیسی این چنین گفت، این دو عملکرد را درک کرد، "نمی‌دانی که من قدرت مصلوب کردن و قدرت آزاد کردن تو را دارم؟" عیسی مخالف او نبود. او به سادگی اشاره کرد که پیلاتوس اختیار حکمرانی را "از بالا" دریافت کرده است (یوحنا ۱۹: ۱۰-۱۱). بعداً پیلاتوس تصمیم به مصلوب کردن عیسی گرفت و "باراباس را آزاد کرد" (متی ۲۷: ۲۶). این مثالی از بخشش حکومتی است.

بسته به اینکه کجا زندگی می‌کنیم و چه کاری انجام می‌دهیم، ممکن است تحت کنترل سایر مقامات حاکم باشیم، به عنوان مثال اگر دانش آموز باشیم، در کنترل معلمان هستیم، اگر برای شرکتی کار کنیم، در کنترل کارفرما هستیم، اگر هنوز وابسته به والدین باشیم، در کنترل آن‌ها خواهیم بود. این‌ها نیز ممکن است نوعی بخشش حکومتی را بکار گیرند.

اگر چه حکومت، معلم یا والدین در اجرای عدالت، تصحیح، مجازات یا در زمان بخشش به عنوان خدمتگزار خداوند عمل نمایند، اما اعمال آن‌ها جایگزین اعمال خداوند نمی‌شود. فردی که مورد بخشش حکومت قرار گیرد یا پس از گذراندن دوره زندان خود به عنوان فرد "آزاد" اعلام شود، هنوز موضوعات برجسته‌ای در ارتباط با خداوند دارد. بخشش خداوند هنوز لازم خواهد بود. مجازات خداوند ممکن است هنوز هم دنبال شود. خداوند قلب‌ها را می‌بیند و تنها در صورتی آزادانه می‌بخشد که گناه تصدیق و اعتراف گردد (اول پادشاهان ۸: ۳۹).

#### (۵) بخشش قلبی

زمانیکه متوجه می‌شویم کسی بر علیه ما گناهی مرتکب شده است، چیزی درون قلب ما گسیخته می‌شود. احساس ما بین بی‌ایمانی و خشم، ناامیدی و نارضایتی، پریشانی و تمایل به انتقام تردید دارد. بی‌عدالتی به قلب ما آسیب می‌رساند. این درد درون قلب ما برای سلامتی روحی و فیزیکی ما مضر است. از آموزه‌های خداوندمان عیسی کاملاً مشهود است که بخشش برای او موضوعی بسیار جدی و فوری است. او به شاگردان خود آموخت: "اگر خطاهای کسانی را که نسبت به شما خطایی مرتکب شده‌اند، ببخشید، پدر آسمانی شما نیز خطاهای شما را خواهد بخشید. اما اگر شما افرادی که نسبت به شما دچار خطایی شده‌اند، نبخشید، پدر آسمانی شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید" (متی ۶: ۱۴-۱۵). این اسید نابخشودگی که قلب ما را تحلیل می‌برد، باید در اسرع وقت از بین برود.

در حالت ایده‌آل، فرد خطاکار گناه خود را پذیرفته و توبه می‌کند. هدف، آشتی و احیای رابطه‌ی شکسته شده است. اما خداوند به خوبی می‌داند که در این دنیای فانی و گناه‌آلود، چنین وضعیت مطلوب و ایده‌آلی و چنین هدف خاصی مدت زمان زیادی طول می‌کشد تا واقعیت یابد و در اغلب موارد هرگز قابل دستیابی نیست. حال در این میان چه باید کرد؟ "... ببخشید ... از اعماق قلبتان هر یک از برادران خود را ببخشید" (متی ۱۸: ۳۵). برای هر نوع خدمت مسیحی، داشتن یک قلب پاک، سبک و آرام ضروری است. توصیه سلیمان این چنین است: "از قلب خود با سخت‌کوشی تمام محافظت نمای زیرا سرچشمه‌ی امور حیاتی است" (امثال ۴: ۲۳)

وقتی بی‌عدالتی‌هایی را که علیه ما مرتکب شده‌اند، به یاد می‌آوریم، با دردی که در قلب ما ایجاد کرده است، روبرو می‌شویم و دعا می‌کنیم، فرد خطاکار را در نام عیسی می‌بخشیم، ما او را از صمیم قلب خود بخشیده‌ایم. این یک ترفند روانشناسی ساده برای جلوگیری از اقدام مهم که لازمه‌ی اجرای عدالت یا دستیابی به آشتی باشد، نیست. بخشش قلبی معمولاً دشوار و دردناک است اما چیزی است که اسید را از بین می‌برد و درد را کاهش می‌دهد و اجازه می‌دهد خداوند شروع به التیام روح زخمی ما نماید. بخشش قلبی این اطمینان را ایجاد می‌کند که "ریشه‌ی تلخی جهش یابنده و موجب ناآرامی است و بسیاری را آلوده می‌کند" (عبرانیان ۱۲: ۱۵) رخ ندهد. بخشش قلبی اولین گام در مسیر اصلاح و ترمیم است. بخشش قلبی دستان ما را پاک می‌سازد و احساسات ما را تثبیت می‌کند طوری که خداوند می‌تواند از ما برای از بین بردن "پر کاه در چشم برادرت" (لوقا ۶: ۴۲-۴۱) استفاده نماید.

ممکن است متوجه شده باشید که دستوراتی که ما را به بخشش و می‌دارد، غالباً با آموزش درباره‌ی دعا مرتبط هستند. عدم بخشش در قلب ما مانع از ارتباط ما با پدر آسمانی شده و بنابراین باید از میان برداشته شود. اگر ما نبخشیم، آزادی خود را از دست خواهیم داد (متی ۵: ۲۳-۲۵). گاهی اوقات در طول زمان دعا، ممکن است با درد، یک خطای قابل توجهی را به یاد آوریم. برخی از بی‌عدالتی‌هایی که بر علیه ما شده‌اند، به ذهن ما می‌آید. همانگونه که دیدیم ایده‌آل‌ترین حالت این است که فرد خطاکار گناه خود را پذیرفته و توبه کند. هدف، مصالحه کردن است. اما ممکن است فرد خطاکار در جای خیلی دور زندگی کند، ممکن است ندانید کجا او را پیدا کنید، ممکن است مرده باشد، آیا شما باید دعا را متوقف کنید؟ آیا باید حافظه دردناک را سرکوب کنید؟ عیسی چه می‌گوید؟ "هرگاه به دعا می‌ایستید، اگر نسبت به کسی چیزی در دل دارید، او را ببخشید، تا پدر شما نیز که در آسمان است، خطاهای شما را ببخشد" (مرقس ۱۱: ۲۵). این همان بخشش قلبی است.

### بخشش قلبی پیش از آنکه فرد خطاکار توبه کند؟

در حالیکه خداوند ما مصلوب می‌شد، او دعا کرد، "ای پدر، اینان را ببخش، زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند" (لوقا ۲۳: ۳۴). این دعای ساده و قدرتمند با تعریف بسیاری از ایمانداران در خصوص بخشش در تضاد است. برخی اظهار می‌کنند که تنها سربازان رومی بخشیده شدند. برخی دیگر معتقدند که تنها خطای مصلوب کردن عیسی بخشیده شد (نه همه‌ی گناهان دیگر آن‌ها). برخی نیز چنین اظهار می‌نمایند که این دعا نوعی پیشگویی برای کسانی بود که بعدها زمانیکه پطرس موعظه کرد، توبه کردند (اعمال رسولان ۲: ۳۷-۴۱). من تصور می‌کنم که برخی محققین کتاب مقدس به طور مخفیانه آرزو می‌کنند که عیسی بخشش را برای گناهکارانی که توبه نکرده‌اند، به زبان نیاورده باشد. این موضوع، به راحتی در تعریف آن‌ها از بخشش جای نمی‌گیرد.

اما برای اغلب افراد، چنین بخشش‌هایی که سزاوار آن نبودیم، الهام‌بخش قدرتمندی شده است. همگی ما چنین عمل سخاوتمندانه‌ای از بخشش را تحسین می‌کنیم. اگر سؤال بحث‌برانگیز "آنچه اتفاق افتاد" را کنار گذاریم، من فکر می‌کنم همگی ما می‌توانیم قبول کنیم که دعا کردن چنین دعایی در حالی که درد و رنج مرگ را تجربه می‌کرد، ثابت می‌کند که عیسی خداوند تمامی آن‌ها را با تمام قلبش بخشیده است.

پیروان عیسی تعالیم او درباره‌ی بخشش را پذیرفته و مثال‌های او را دنبال کردند. زمانیکه استیفان سنگسار می‌شد، "او زانو زد و با صدای بلند گریه کرد که ای خداوند این گناه را به پای ایشان مگذار. و زمانیکه این را گفت، بخت" (اعمال رسولان ۷: ۶۰). استیفان در خفتگی سنگسار نشد! او ارائه‌ی یک روایت تاریخی طولانی در مورد برخورد خدا با اسرائیل را تمام کرده بود. همانگونه او حقیقت را به آن‌ها می‌گفت، چشمان خشمگین شنوندگان خود را دید. او اتهامات آن‌ها را نسبت به خودش شنید و خیلی زود جمعیت با بالاترین میزان صدای خود فریاد کشیدند. سپس احساس کرد آن‌ها او را گرفتند و او را از شهر بیرون کشیدند. آن‌ها سنگ‌های بزرگی برداشتند و شروع به سنگسار او کردند تا بمیرد. در همین زمان بود که او زانو زد و دعا کرد "ای خداوند، این گناه را به پای ایشان مگذار." او چگونه این کار را کرد؟ من فکر می‌کنم همگی ما می‌توانیم قبول کنیم که دعا کردن چنین دعایی در حالی که درد و رنج مرگ را تجربه می‌کرد، ثابت می‌کند که استیفان همانند عیسی خداوند بر روی صلیب، آن‌ها را با تمام قلبش بخشیده است.

در طول روزهای آخر عمرش، پولس رسول در لحظات دشوار و ناامید کننده زندگی می‌کرد: "در نخستین دفاع من هیچ کس به پشتیبانی از من برخاست، بلکه همه مرا ترک کردند." سپس او افزود "ای کاش این به حسابشان گذاشته نشود" (دوم تیموتائوس ۴: ۱۶). توجه کنید که این‌ها ابراز قصد و نیت نیستند. این‌ها ابراز تمایل به بخشش نیستند. این‌ها دعا‌های خالصانه، دردناک و بدون قید و شرط بخشش هستند. این‌ها مثال‌هایی از بخشش قلبی هستند (متی ۱۸: ۳۸). تاریخچه‌ی کلیسا مثال‌های بسیار بیشتری از مسیحیانی دارد که افرادی را که آزار و شکنجه داده و آن‌ها را کشته‌اند، بخشیده‌اند. مطمئناً چنین تصمیمات برای بخشش اشتباه نیستند. بلکه نشانه‌های واضحی از قلب دگرگون شده هستند.

### گام بعد چیست؟

بخشش قلبی این امکان را برای ما فراهم می‌سازد که دومین قدم از فرمانبرداری را برداریم: "به دشمنان خود محبت کنید، برای کسانی که از شما متنفر هستند، کارهای خوبی انجام دهید، برای کسانی که شما را لعنت می‌کنند، طلب برکت کنید و برای کسانی که کینه‌توزانه از شما استفاده می‌کنند، دعا کنید" (لوقا ۶: ۲۷-۲۸). بعد از بخشش قلبی، خشم، عصبانیت و میل طبیعی برای انتقام (آنچه برخی آن را عدالت می‌نامند) در شما جایگزین احساس رحمت، دلسوزی، ترحم می‌شود و شاید گاهی اوقات احساس غم و اندوه کنید زیرا برای فرد خاطی که توبه نکرده است، وضعیت بدبخت گونه‌ای در نظر می‌گیریم. فرد خطاکاری که توبه نکرده است معمولاً برده و خیره گناه خودش است. پس از اینکه شما از صمیم قلبتان می‌بخشید، متوجه خواهید شد که افکارتان از "من چه چیزی می‌خواهم" و "چه چیزی احساس بهتری به من خواهد داد" به ملاحظات به شرح زیر تغییر می‌یابد: "چه چیزی به او در تغییر برای بهتر شدن کمک خواهد کرد" و "در حال حاضر به چه چیزی نیاز دارد" "من چه کاری باید انجام دهم تا از فرد خاطی در آسیب رساندن به دیگران محافظت کنم" و "از پادشاهی خداوند بیشتر چه سودی خواهد برد".

محافظت فرد خاطی از پیامدهای گناهش معمولاً کمکی به فرد خاطی توبه‌نکرده نمی‌کند. حتی ممکن است برای فرد خاطی توبه‌کار نیز سودمند نباشد. نکته این است که: بخشش قلبی، مسئولیت پیگیری خطای انجام شده به سود فرد خاطی را از بین نمی‌برد. خداوند افراد خاطی را دوست داشته و می‌خواهد آن‌ها را بازگرداند. گاهی اوقات خداوند مشخص می‌کند که پس از بخشش قلبی، گام بعدی این است که به موضوع خاتمه دهید (اول قرنطیان ۶: ۷). اما اغلب خداوند می‌خواهد از فردی که به او گناهی شده است، استفاده نماید تا به فرد خاطی در سر عقل آمدن کمک کند (متی ۱۸: ۱۵-۱۷). شاید اقدام درست و مسئولانه این باشد که خشونت شوهر به خدمات اجتماعی گزارش داده شود، تجاوز به کودک به پلیس گزارش داده شود یا کارمند متقلب از شرکت اخراج گردد. تفاوت بزرگ و مهم این است که پس از اینکه من از صمیم قلبم بخشیدم، من می‌توانم

فرد خاطی را بدون خشمی در قلبم به خدمات اجتماعی یا پلیس گزارش دهم. من می‌توانم کارمند متقلب را نمبه دلیل ناامیدی یا انتقام جویی بلکه به این دلیل که اطمینان دارم در درازمدت این اقدام به نفع فرد خاطی است، اخراج کنم.

من متوجه شده‌ام که بسیاری از مسیحیان در تلاش هستند تا رویه‌ای که در لوقا ۱۷: ۳ (او را سرزنش کن) و متی ۱۸: ۱۵ (خطایش را به او بگو) آمده است، اجرا کنند قبل از آنکه آن‌ها فرد خاطی را از صمیم قلب خود ببخشند. احساسات آسیب دیده آن‌ها، عصبانیت آن‌ها، ناامیدی آن‌ها، تلخی آن‌ها، تمایل آن‌ها به عدالت شخصی راهی برای جلوگیری از گفتگوی سازنده می‌یابد. یک واکنش نادرست از سوی فرد خاطی باعث بزرگتر شدن مشکل می‌شود. فقط پس از بخشش از صمیم قلب، باید ابزارهای پاک و حساس در دستان استادمان عیسی مسیح باشیم زیرا او به دنبال کار کردن بر روی روح فرد خاطی است.

#### (۶) بخشش رابطه‌ای

بخشش از صمیم قلب اولین گام بدون قید و شرط در تمامی موقعیت‌های خطا و تخلف است. اما بخشش رابطه‌ای مشروط بر توبه‌ی فرد خاطی است. این شامل مراوده‌ی بخشش شما با فرد خاطی توبه کرده است. برخی این را بخشش لفظی، اعطایی، خارجی، اجتماعی یا آشتی می‌دانند. این نوع بخشش، خداوند، قربانی و همچنین فرد خاطی را درگیر می‌کند. بخشش رابطه‌ای که ارزش هر چیزی را دارد باید از بخشش قلبی پیروی کند (یا همزمان با آن باشد). التیام قلب آسیب‌دیده‌ی قربانی از زمانی آغاز می‌گردد که او فرد خاطی را از صمیم قلبش ببخشد. التیام گناه فرد خاطی و قلب آسیب دیده زمانی آغاز می‌گردد که او به گناه خود نزد خداوند اعتراف کرده و بخشش خداوند را دریافت نماید. بهبود و التیام رابطه‌ی فرد خاطی و قربانی نیز زمانی آغاز می‌گردد که فرد خاطی به گناه خود نزد قربانی اعتراف کرده و بخشش قربانی را دریافت می‌کند.

یک فرد خاطی منکر خدا ممکن است توبه کرده و به دنبال بخشش قربانی بدون جستجوی بخشش خداوند باشد. زمانی که یک قربانی مسیحی بخشش خود را با این فرد خاطی توبه‌کار برقرار می‌کند، رابطه‌ی قربانی و خاطی شروع به بهبود می‌کند حتی اگر فرد خاطی هنوز با خداوند آشتی نکرده باشد.

#### گفتن "من تو را می‌بخشم"

چه زمانی می‌توانیم به فرد خاطی بگوییم که او را بخشیده‌ایم؟ چه زمانی بخشش رابطه‌ای را پیشنهاد می‌دهیم؟ به طور معمول این زمانی خواهد بود که فرد خاطی توبه کرده و درخواست بخشش می‌کند. شایان ذکر است که کتاب مقدس برای پوشش دادن تمامی شرایط، پاسخ عمومی برای ما ارائه نمی‌دهد. برای زمان‌بندی، من و شما نیاز به راهنمایی خداوند خواهیم داشت.

ممکن است برخی موقعیت‌های استثنایی وجود داشته باشد که برای افراد خاطی توبه نکرده بسیار مفید باشد که بشنوند شما آن‌ها را بخشیده‌اید. چرا عیسی خداوند با صدای رسا بر روی صلیب بخشش را ابراز کرد؟ چرا استیفا، نسبت به کسانی که او را سنگسار می‌کردند، بخشش قلبی ابراز نمود؟ پس از بخشش در قلب ما، ما باید آماده شویم تا با آن بخشش ارتباط برقرار کنیم زمانی که می‌شنویم فرد خاطی توبه کرده است یا به محض اینکه روح‌القدس بر ما روشن می‌سازد که این به نفع فرد خاطی یا پادشاهی خداوند است.

به عنوان مثال تأثیر مثبت پیشنهاد بخشش توسط والدین یک مبلغ مذهبی را که توسط مسلمانان افراطی به قتل رسیده است، در نظر بگیرید. ابراز عمومی بخشش قاتل توبه نکرده توسط آن‌ها، پیغام روشن، عمیق و قدرتمندی از فیض خداوند را به جهان مسلمانان ارسال می‌کند.

موقعیتی را در نظر بگیرید که یک خواهر نابالغ مسیحی و کینه‌توز در جماعت شما، این سوءظن را به شما نشان دهد که شریک زندگی شما نسبت به شما بی‌وفا است. انتشار این دروغ، درد و رنج زیادی را برای شما و خانواده‌ی شما ایجاد کرده

است. شما تصمیم قلبی برای بخشش او گرفته و خانواده‌ی خود را نیز نسبت به انجام این کار ترغیب نموده‌اید. شما و خانواده‌تان بخشش قلبی را با مهربانی که فرد سزاوار آن نباشد، نسبت به این خواهر نابالغ مسیحی ابراز خواهید کرد. اما ابراز شفاهی بخشش او بدون تأیید گناه و توبه ممکن است برای او مفید نباشد. او و تمام کسانی که دروغ او را باور دارند، احتمالاً پیشنهاد بخشش شما را به عنوان اقدام اصلاحی درک می‌کنند. گفتن "من شما را می‌بخشم" یا "من شما را بخشیده‌ام" بخشی از بخشش رابطه‌ای است و معمولاً نه الزاماً همیشه توبه‌ی فرد خاطی را به همراه دارد.

### زمانی که نباید مانع بخشش رابطه‌ای و کلیسایی شویم

از نظر ما انسان‌ها عمل بخشش دشوار و دردناک است. گاهی اوقات حس می‌کنیم که فرد خاطی توبه کرده به اندازه‌ی کافی پشیمان نیست یا از دردی که ایجاد کرده است، به طور کامل آگاه نیست. گاهی اوقات ما خلوص و صداقت فرد خاطی توبه کرده را زیر سؤال می‌بریم، خصوصاً اگر خطای خود را دوباره و دوباره تکرار نماید. این یک مبارزه مدرن نیست. عیسی خداوند که سر کلیسا و پروردگار زندگی ماست، دستورالعمل‌های کاربردی به ما داده است. می‌خواهیم نگاهی به این دو متن بیاندازیم.

(۱) لوقا ۱۷: ۳-۴ "مراقب خود باشید. اگر برادران بر علیه شما مرتکب گناه شد، او را توبیخ کن و اگر توبه کرد، او را ببخش. اگر هفت بار در روز نسبت به شما مرتکب گناه گردید، و هفت بار در روز نزد شما آید و گوید، توبه می‌کنم، او را ببخش."

در نظر داشته باشید که این آیه چه چیزی را تصدیق می‌کند و چه چیزی را تصدیق نمی‌کند. در آیه سوم، عیسی خداوند موقعیتی را که یک برادر مرتکب گناه می‌شود، در نظر می‌گیرد. این یک متن روحانی است که باید در جامعه‌ی مسیحیان مورد استفاده قرار گیرد. مضمون آنی آیات ۱ و ۲، تأیید می‌کند که موضوع آیه سوم، گناه عمومی است. به عبارت دیگر، اگر یک ایملندار مرتکب گناه گردد، ما به عنوان یک جامعه، باید نگرانی خود را نسبت به برادر خود ابراز کرده‌سبباً او دیدار رو در رو داشته و به دنبال ترمیم او باشیم. زمانی که توبه کرد، ما او را به عضویت در جمع ایمانداران باز می‌گردانیم: او مورد بخشش قرار گرفته است. این، همان بخشش کلیسایی است. سپس در آیه ۴، عیسی خداوند موقعیتی را نشان می‌دهد که در آن، مدیریت صحیح این عمل تأدیبی دشوار است: حال فرض کنید گناه برادر به طور خاص بر علیه شما رخ داده است و گناه فقط یکبار انجام نشده بلکه تکراری و هفت بار بوده است. او چنین نتیجه‌گیری می‌کند که روند دیدار رو در رو و ترمیم باید یکسان باشد. نباید تحت تأثیر درد و رنج شخصی و بی‌حوصلگی یا سرخوردگی شخصی باشد.

بنابراین این متن حکم مشخصی دارد: اگر برادرمان مرتکب گناه شد، باید به او نزدیک شویم. زمانی که توبه کرد، نباید مانع بخشش رابطه‌ای و کلیسایی شوید. توجه کنید که این متن چگونگی برخورد با بی‌ایمانان خطاکار را تعیین نمی‌کند. همچنین مشخص نمی‌کند در شرایطی که فرد خاطی مرده باشد، یا نتوان با او تماس گرفت یا اصلاً فرد تشخیص ندهد که گناهی مرتکب شده است، چه باید کرد. این متن فقط تأییدکننده وضعیت مثبت است: که برادر توبه کار باید بخشیده شود. این متن تأییدکننده‌ی وضعیت منفی نیست: اینکه فردی که توبه نکرده است، نباید بخشیده شود. برای کسب راهنمایی در خصوص نحوه‌ی رفتار با شخصی که توبه نکرده است، باید در بخش دیگری از کتاب مقدس به جستجو بپردازیم.

(۲) متی ۱۸: ۱۵-۱۷ "اگر برادرت نسبت به تو مرتکب گناه شد، نزد او برو و بین خودتان خطایش را گوشزد کن. اگر سخت را پذیرفت، برادرت را باز یافته‌ای. اما اگر نپذیرفت، یک یا دو نفر دیگر را با خود ببر تا هر سخنی با گواهی دو یا سه شاهد ثابت شود. اگر از شنیدن سخنان آن‌ها نیز امتناع ورزید، به کلیسا بگو. اما اگر کلیسا را نیز نپذیرفت، آنگاه او را خراجگیر یا اجنبی تلقی کن."



همانند متن قبلی، آنچه این متن بدان اشاره می‌کند و آنچه اشاره نمی‌کند را با دقت در نظر بگیرید. این متن در حال بررسی این مورد است که "برادری نسبت به شما مرتکب گناهی می‌شود". این یک موضوع نسبتاً خصوصی است بنابراین ما به دنبال راه‌حلی بین شما و او هستیم". از دیگران زمانی برای کمک دعوت می‌شود که توضیحات و دعاوی خصوصی ناموفق باشند.

این متن حکم مشخصی دارد: اگر فردی ایماندار مرتکب گناهی شود در شرایطی که ما شخصا صدمه‌دیده یا زیان‌دیده هستیم، باید به او نزدیک شویم. وقتی توبه کرد، نباید مانع از بخشش شویم. "ما برادر خود را به دست آورده‌ایم". توجه داشته باشید که این متن تعیین‌کننده چگونگی رفتار ما با هر نوع گناه در میان ایمانداران نیست. هر نوع گناه، به عنوان مثال، باید میان دو نفر مدیریت شود. همچنین این متن چگونگی رفتار ما را با فرد خاطی غیر ایماندار یا شرایطی که در آن فرد خاطی بمیرد یا امکان ارتباط با او نباشد را تعیین نمی‌کند. این متن، شرایط مثبت را بیان می‌کند: ابتکار عمل به کار گیرید و سعی کنید برادر خطاکار را به دست آورید. در صورت ضرورت و مفید بودن، دیگران را درگیر کنید.

این متن همچنین تأییدکننده‌ی شرایط منفی است: اگر برادر خطاکار در رفتار خود همچون بی‌ایمان پافشاری کرد، باید با او همچون یک بی‌ایمان رفتار کرد. به این معنا که ما باید با او با احترام اما در عین حال محروم از امتیازات جامعه‌ی مسیحیان رفتار کنیم. دعای همراه آن، این است که درد ناشی از طرد شدن منجر به این شود که او بر سر عقل آید، توبه کند و به راه راست بازگردد. "برادران عزیز، اگر از فردی خطایی سر بزنند، شما که روحانی‌تر هستید با ملایمت و فروتنی او را به راه راست بازگردانید؛ این را در نظر بگیرید که خودتان نیز ممکن است وسوسه شوید. بارهای یکدیگر را تحمل کنید و از این طریق قانون مسیح را اجرا کنید" (غلاطیان ۶: ۱-۲).

## آشتی

پدر آسمانی ما در آشتی تخصص دارد. به ما گفته شده است "شما نیز زمانی با کارهای شرور با خدا بیگانه بوده و در افکار خویش دشمن او بودید، اکنون او آشتی کرده است" (کولسیان ۱: ۲۱). خداوند ما به عنوان پدری دوست‌داشتنی و سخاوتمند تصویر می‌شود که به سمت فرزند گمشده‌ی توبه کرده‌ی خود می‌رود، او را در آغوش می‌گیرد، می‌بوسد، می‌بخشد و سپس جشن می‌گیرد. در این مثال، خداوند جشنی را توصیف می‌کند که در آن، پسر بخشیده شده با لباس‌های جدید، کفش‌های جدید و انگشتر روی انگشتش در این جشن شرکت می‌کند. از کل خانواده دعوت شده است تا در یک وعده‌ی غذایی خوب، موسیقی و حتی رقص سهیم شوند (لوقا ۱۵: ۲۰-۲۴). شاید بتوانیم کمی ناامیدی برادر بزرگتر را تشخیص دهیم. پسر گمشده توبه کرده باید بخشیده شود، اما چرا چنین پذیرش عجیب و غریبی؟ آیا نباید برای برگزاری چنین جشنی چندین ماه یا سال منتظر بود تا پسر گمشده خلوص توبه‌اش را اثبات نماید؟ آیا بخشش رابطه‌ای همان آشتی است؟

پولس رسول پیغام آشتی را اینگونه تعریف می‌کند "خدا در مسیح جهان را با خود آشتی داده و گناهان مردم را به حسابشان نگذاشت" (دوم قرنطیان ۵: ۱۸-۱۹). به وضوح، بخشش و آشتی با یکدیگر در ارتباط هستند. هدف ما تنها بخشش نیست بلکه در صورت امکان ترمیم کامل یک رابطه‌ی شکسته است (متی ۵: ۲۳-۲۴). اغلب بخشش رابطه‌ای امکان آشتی فوری را فراهم می‌کند. ابراز بخشش ما، موانع آشتی را از میان برداشته و یک جشن کامل می‌تواند آغاز گردد.

## جشنی در حال برپایی

اما مشاوران نیز با شرایط دشواری روبرو می‌شوند شرایطی که در آن اعتماد به طور جدی و مکرر مورد سوء استفاده قرار گرفته و آسیب‌های عاطفی عمیق بوده است. ممکن است قربانی از صمیم قلب خود بخشیده باشد. زخم‌های موجود در روح او در حال بهبود است اما هنوز به طور کامل بهبود نیافته است. موقعیت‌هایی مانند کودک‌آزاری، زنا یا قتل را در نظر بگیرید. اگر فرد خاطی توبه کند و به دنبال بخشش باشد، قربانی مسیحی باید چه کند؟ بخشیدن. آیا این ممکن است؟ بلی. اما تا زمانی که در

کشمکش دردناک میان خواسته‌های بدن او (عصبانیت، انتقام‌جویی، مقابله به مثل) و میل او به فرمانبرداری از فرامین خداوند و بخشش پیروزی حاصل نشده باشد، تقریباً غیر ممکن است که به چشمان فرد خاطی نگاه کند و بگوید "من تو را می‌بخشم". بخشش قلبی راهی برای بخشش رابطه‌ای فراهم می‌کند. اما هنوز هم ممکن است تمایلی به جشن گرفتن وجود نداشته باشد.

بلافاصله پس از بخشش توسط قربانی و دریافت آن توسط فرد خاطی توبه کرده، موانع آشتی از میان برداشته می‌شود. به عبارت دیگر، فرایند آشتی آغاز شده است. پس از اینکه ما انسان‌ها بخشیده شدیم، التیام احساسات ما و برقراری مجدد اعتماد، روند رو به رشدی است و زمان زیادی می‌برد. جشن ما با بخشش رابطه‌ای آغاز شده و با بهبود روابط به سمت جشن کامل رشد می‌کنیم.

اینجا به تفاوت دیگر میان بخشش خداوند (قانونی و پدرانه) و بخشش ما (قلبی و رابطه‌ای) اشاره می‌کنیم: زمانی که توبه کنیم و توسط پدر آسمانی‌مان بخشیده شویم، آشتی و جشن همیشه به دنبال هم می‌آیند. در همان لحظه، ارتباط کامل برقرار می‌شود، جشن گرفته می‌شود و لذت برده می‌شود. غالباً، این مورد همچنین زمانی که ما مسیحیان می‌بخشیم، رخ می‌دهد اما گاهی اوقات جشن و لذت بردن ممکن است مدتی طول بکشد.

### آشتی، بخشش و عدالت

خدای ما عدالت را دوست دارد. آیا امکان‌پذیر است که ببخشیم و آشتی را بدون تصحیح یک بی‌عدالتی تجربه کنیم؟ تعدادی از مسیحیان در قرن‌س به طور جدی با یکدیگر اختلاف نظر داشتند. هر یک از طرفین احساس می‌کرد که حق با آن‌هاست و تصمیم به پیگیری عدالت در دادگاه گرفتند. پولس رسول این موضوع را در چشم‌انداز خود قرار داد و چنین نوشت:

اول قرنطیان ۶: ۱-۷ "هر گاه هر یک از شما با دیگری مشکل داشته باشد چگونه جرأت می‌کنید به محکمه ببرید پیش از آنکه نزد مقدسین بروید؟ ... من این را می‌گویم تا شما را شرم‌ده سازم. آیا در میان شما شخص حکیمی نیست که بتواند بین شما برادران داوری نماید؟ در عوض، برادر علیه برادر به محکمه می‌رود، آن هم نزد بی‌ایمانان! بنابراین در حال حاضر این برای شما شکست کاملی است که شما در برابر دیگری به دادگاه می‌روید. چرا حاضر نیستید اشتباه را بپذیرید؟ چرا حاضر نیستید خودتان زیان ببینید؟"

این حقیقت که ما مسیحیان دوباره متولد می‌شویم و روح خدا را در میان خود داریم، امکان رفتار گناه‌آلود را از بین نمی‌برد. ما گاهی اوقات با یکدیگر غیرمنصفانه رفتار می‌کنیم. ما می‌توانیم به یکدیگر آسیب بسیار جدی وارد کنیم. در هماهنگی با آموزش‌های عیسی خداوند، پولس رسول نیز یاران ایماندار را ترغیب می‌کند که با یکدیگر صحبت کرده و اختلافات خود را حل نمایند. اگر پیشرفت کند باشد، به دنبال کمک ایمانداران حکیم و مورد احترام در میان خود باشید. دغدغه‌ی اصلی پولس در این متن، بی‌انصافی یا عدالت شخصی نیست بلکه شهادت جامعه‌ی مسیحیان در مقابل چشمان دنیای بی‌ایمان است.

در صورت امکان ما باید به دنبال یک تعادل و راه‌حل منصفانه باشیم. اما اگر ایماندار خاطی، نفسانی، نابالغ است یا به سادگی درک نمی‌کند یا با دیدگاه ما موافق نیست، پولس رسول توصیه می‌کند رهاش کنید. چرا ترجیح نمی‌دهید مظلوم واقع شوید؟ چرا حاضر نیستید زیان ببینید؟ نه به این دلیل که شما قادر به مبارزه نیستید، نه به این دلیل که عدالت حاصل شده است، نه به این دلیل که فرد خاطی توبه‌ی خود را ابراز کرده است ..... بلکه انگیزه بالاتر آن، مصلحت عیسی خداوند بر روی زمین است. زیرا ما عیسی خداوند را دوست داریم و تمایل به ترفیع ملکوت خداوند داریم، ما قبول داریم که با آرامش در قلبمان رنج‌ها از بین می‌روند. این آرامش و بیان واقعی مهربانی برادرانه تنها در صورتی امکان‌پذیر است که از صمیم قلبمان ببخشیم. به هر حال، آشتی مستلزم بخشش رابطه‌ای است.

## (۷) بخشش خود

این نوع بخشش ارتباط نزدیکی با بخشش پدران و بخشش رابطه‌ای دارد. زمانیکه ما به گناهان خود در حضور خداوند اعتراف می‌کنیم، او می‌بخشد. ما از کجا می‌دانیم؟ زیرا او به ما وعده داده است. ما باید یاد بگیریم که به وعده او باور داشته باشیم و بخشش او را بپذیریم. به طور مشابه، زمانیکه ما از گناه خود نسبت به دیگری توبه کرده‌ایم و فرد مقابل ما را بخشیده است، ما باید یاد بگیریم که بخشش او را بپذیریم.

داستان یوسف و برادران او این موضوع را به طور کامل نشان می‌دهد. یوسف برادران خود را که او را به بردگی فروخته بودند، بخشیده بود اما برادرانش نمی‌توانستند آن بخشش را بپذیرند. از کجا می‌دانیم؟ زیرا آن‌ها مشکوک بودند و از انتقام و کینه احتمالی او می‌ترسیدند. "زمانیکه برادران یوسف دیدند که پدرشان مرده است، آن‌ها گفتند، شاید یوسف از ما متنفر شود و ممکن است انتقام تمام بدی‌هایی را که به او روا داشته‌ایم از ما بگیرد. بنابراین آن‌ها پیام‌رسانی نزد یوسف فرستادند: پدرت قبل از اینکه بمیرد به ما دستور داد به تو بگوییم که: التماس می‌کنیم بدی‌ها و گناهان برادرانت را ببخش زیرا که به تو آزار رساندند." (پیدایش ۵۰: ۱۵-۲۱). با شنیدن این، یوسف گریست. این موضوع او را ناراحت کرد که برادرانش در تمام این سال‌ها نزدیک او زندگی کردند اما به اصالت بخشش او شک داشتند.

اما بخشش خود، متفاوت از پذیرش بخشش ارائه شده توسط دیگران است. یک پدر ممکن است به گناه خود در خصوص بی‌توجهی به فرزندانش به منظور پیشبرد حرفه‌ی خود اعتراف کند. ممکن است او با شکرگذاری، بخشش‌ی را که از سوی خداوند، همسرش و فرزندانش ارائه شده است، بپذیرد ولی هنوز از خود به دلیل بی‌توجهی به فرزندانش متنفر باشد. هر باری که او خانواده‌ی شادی را ببیند که در حال لذت بردن از بارکیو یا بازی کردن با یکدیگر هستند، دردی در قلبش احساس می‌کند. او می‌داند که مورد بخشش خداوند و خانواده‌اش قرار گرفته است اما هنوز قلبش آرام نگرفته است: او خودش را نبخشیده است.

یکی از اسامی توصیفی شیطان "مدعی برادران ما" (مکاشفه ۱۲: ۱۰) است. زیرا او روز و شب گناهان مقدسین را آشکار می‌سازد. در اکثر مواقع، ما همزمان با دریافت بخشش پدران خودمان را می‌بخشیم. شگفت‌انگیز است وقتی کسانی که ما نسبت به آن‌ها خطایی مرتکب شده‌ایم، ما را می‌بخشند. اما گاهی اوقات ممکن است آن‌ها نسبت به ما بی‌اعتماد شوند، خلوص توبه‌ی ما را قضاوت کنند و از بخشش ما اجتناب نمایند. آن‌ها را قضاوت نکنید. آن‌ها را تحت فشار قرار ندهید. برای آن‌ها دعا کنید، به سبک زندگی توبه‌کاران زندگی کنید و اجازه دهید روح‌القدس کار خود را انجام دهد. دلیل اینکه ما می‌توانیم خود را ببخشیم این است که پدر آسمانی ما، ما را بخشیده است. بخشش خود براساس بخشش پدران است نه بر مبنای بخشش رابطه‌ای.

اگر پس از اینکه بخشش خداوند را دریافت کردیم و کسانی که ما نسبت به آن‌ها مرتکب خطا شده‌ایم، نیز بخشش ما را پذیرفتند، ما هنوز لحظاتی از پشیمانی درناک، نفرت و تلخی در قلبمان علیه خود تجربه می‌کنیم، ما باید یاد بگیریم که خودمان را ببخشیم. اگر در حال حاضر در این زمینه دچار چالش هستید، می‌خواهم شما را ترغیب کنم که از طریق دعا به حضور خداوند بروید و مجدداً از او به خاطر بخشش کامل گناهانی که هنوز شما را زجر می‌دهند، تشکر نمایید. خودتان را به عنوان پسر گمشده‌ی توبه‌کار که پذیرفته شده، در آغوش گرفته شده و کاملاً توسط پدر شاد بخشیده شده بود، تجسم کنید. سپس در حضور خداوند بگویید "در نام عیسی مسیح اکنون خودم را می‌بخشم برای انجام دادن ... " یاد بگیرید که خود را بخشنده ببخشید و همچنین باور کنید، بپذیرید و از آن بخشش لذت ببرید.

من در جدول ذیل انواع مختلف بخشش و اثرات آن‌ها را خلاصه کرده‌ام.

| انواع یا جنبه‌های<br>گوناگون بخشش | چه کسی<br>درگیر است؟                       | این بخشش ما<br>را آزاد می‌سازد از ...                                | این بخشش ما<br>را آزاد می‌سازد تا ...                                                                 |
|-----------------------------------|--------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱. بخشش قانونی                    | خدا<br>فرد خاطی                            | محکومیت ابدی                                                         | از تضمین نجات<br>ابدی لذت ببریم                                                                       |
| ۲. بخشش پدران                     | خدا<br>فرد خاطی                            | رابطه‌ی از بین رفته با<br>خدا / زندگی ریاکارانه                      | از ارتباط با خدا لذت ببریم                                                                            |
| ۳. بخشش کلیسایی                   | خدا<br>کلیسا<br>فرد خاطی<br>قربانی (+)     | محدودیت دردناک یا<br>معافیت از اجتماع<br>کلیسایی                     | از پذیرش کامل در<br>جامعه‌ی مسیحیتی<br>لذت ببریم                                                      |
| ۴. بخشش قلبی                      | خدا (+)<br>حکومت<br>فرد خاطی<br>قربانی (+) | پرداخت جریمه،<br>حکم زندان یا<br>عواقب دیگر                          | از زندگی عادی در جامعه لذت ببریم                                                                      |
| ۵. بخشش قلبی                      | خدا<br>قربانی                              | درد، پرخاشگری،<br>خشم، تمایل به<br>انتقام، خودخوری،<br>افسردگی، تلخی | از آرامش درونی، تجربه‌ی فیض،<br>دعا، برکت بودن برای دیگران (قربانی<br>شروع به بهبود می‌کند) لذت ببریم |
| ۶. بخشش رابطه‌ای                  | خدا<br>قربانی<br>فرد خاطی                  | رابطه‌ی از بین رفته                                                  | از آشتی (رابطه‌ی از دست<br>رفته شروع به بهبود<br>می‌کند) لذت ببریم                                    |
| ۷. بخشش خود                       | خدا<br>خود فرد                             | ندامت دردناک، تنفر<br>از خود، افسردگی، تلخی                          | از آرامش درونی، تجربه‌ی<br>فیض، شادی از در آغوش<br>گرفتن زندگی لذت ببریم                              |

## نتیجه گیری

اگر پس از خولندن دقیق بخش اول، بخش دوم را مطالعه کرده‌اید، حال باید درک روشنی از آنچه بایبل در مورد بخشش آموزش می‌دهد، داشته باشید. به عنوان یک مسیحی، آگاه هستید و بسیار سپاسگزارید که بدهی بزرگ شما به خداوند به طور کامل لغو گردیده است. همچنین آگاه هستید که خداوند از ما می‌خواهد کسانی را که به ما آسیب زده یا نسبت به ما خطایی مرتکب شده‌اند را از صمیم قلب ببخشیم. گام بعدی چیست؟ حال با این اطلاعات قرار است چه کار کنید؟ لطفاً این کتاب را در یک جعبه یا انتهای قفسه قرار ندهید. در جایی کنار تخت یا میز خود که قابل رؤیت باشد، قرار دهید تا یادآوری برای عمل کردن باشد تا بتوانید همان کاری را بکنید که خداوند از شما می‌خواهد انجام دهید.

۱. شاید خودتان از اینکه خطایی نسبت به دیگری مرتکب شده‌اید، آگاه باشید. چه کاری می‌توانید انجام دهید؟ به دنبال بخشش باشید. نامه بنویسید، ایمیل ارسال کنید، تماس تلفنی بگیرید یا با او ملاقاتی داشته باشید. واکنش نشان دهید و بعد شما آزاد خواهید شد.

۲. شاید از درد یا حتی تلخی درون قلب خود که ناشی از آزار رساندن کسی به شما بوده است، آگاه باشید. چه کاری می‌توانید انجام دهید؟ از صمیم قلب خود ببخشید. از نمونه دعا‌هایی که در انتهای بخش اول توصیه شد، استفاده نمایید. پیروی از کلام خدا را انتخاب نمایید: "همانطور که مسیح شما را بخشید، شما نیز باید همین کار را بکنید" (کولسیان ۳: ۱۳). در نام عیسی، امروز آن شیشه را از بازوی خود بردارید! فقط پس از اینکار، درد شروع به کاستن می‌کند، فقط پس از آن در موقعیتی خواهید بود که به فرد خاطی کمک نمایید، فقط پس از آن خداوند می‌تولند از شما برای برکت دادن به دیگران استفاده نماید. واکنش نشان دهید و پس از آن شروع به بهبود خواهید نمود.

۳. شاید اکنون شما از علائم تلخی در دیگران ناشی از تناقض شدید در خانواده یا کلیسای محلی خود آگاه باشید. چه کاری می‌توانید انجام دهید؟ آیا در این کتاب قسمتی یافته‌اید که شما بتوانید از آن برای ارتقای بخشش و آشتی استفاده نمایید؟ خداوند در امر آشتی فعال است. هنگامی که ما با خداوند و هموعان خود در صلح و آرامش هستیم، خداوند می‌خواهد از شما و من به عنوان سفیرانی برای توضیح و ترغیب بخشش و آشتی استفاده نماید (دوم قرنطیان ۵: ۱۸-۲۰). واکنش نشان دهید و خداوند از شما برای برکت دادن به دیگران استفاده خواهد کرد.

فقط به کلام گوش ندهید و خود را فریب ندهید. بلکه به آنچه گفته است، عمل کنید.

يعقوب ۱: ۲۲

خوشابه‌حال صلح‌جویان، زیرا آنان فرزندان خدا خوانده خواهند شد.

متی ۵: ۹

فیلیپ‌نان به عنوان مبلغ و معلم بایبل به مدت پانزده سال در کلمبیا ، آمریکای جنوبی برای خداوند خدمت کرد. در طول این دوره، او به طور مداوم درگیر موضوع مهم بخشش بود. در مشاوره هایی که او به مردان و زنان می داد مشاهده نمود که زندگی آنها با فرمانبرداری از خداوند و بخشیدن تغییر یافته است. حال که به اروپا بازگشته است، همچنان به مسیحیان کمک میکند تا بتوانند کسانی را که به آنها صدمه زده اند را ببخشند و موانع رشد روحانی خود را از میان بردارند.

در این کتاب، نویسنده بخشش را از منظر کتاب مقدس بررسی می کند. با انجام این کار ، او تعدادی از سوء تفاهم های رایج را که مانع بخشش حقیقی است، تصحیح می کند. او از نویسندگان خود می خواهد فقط هدیه بزرگ بخشش خداوند را دریافت نکنند، بلکه کسانی را که نسبت به آنها مرتکب گناه نیز شده اند را ببخشند. او با دقت خوانندگان خود را گام به گام هدایت می کند تا از زنجیرهای اسارت دور شوند و آزادی بینظیر با مسیح را که برای آنها خریده است، تجربه نمایند. در بخشش، قدرت تحول وجود دارد. امروزه یکی از بزرگترین مشکلات در میان مسیحیان، تلخی و فقدان بخشش است و این، همچون سمی در جوامع ما گسترش می یابد.